



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ
وَمَا يَرْجُوا الْفِتْرَةَ إِلَى اللَّهِ وَمَا يَسْتَوِي السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْأَفْئِدَةُ

حضرت سید الشهداء

عليه السلام

امام حسین

مصباح هدايت

حضرت آیت الله العظمیٰ مائتوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشورائیان

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

انتشارات حضرت معصومه (سلام الله علیها)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	با عاشورائیان
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	همای سعادت
۱۴	سخن ناشر
۲۰	فصل اول: دل نوشته های عاشورایی
۲۰	اشاره
۲۲	۱. شب عاشورا
۲۲	اشاره
۲۲	ای کاش فردا نمی شد
۲۴	رزم آورد حق و باطل
۲۵	سپاه سعادت و لشکر شقاوت
۲۶	سپاه باطل و عدم بصیرت
۲۷	سپاه حق، سپاه بصیرت
۲۸	شب عاشقان بی دل
۲۸	شب اتمام حجت ها
۲۸	ستارگان سپاه سیدالشهدا
۲۹	آفتاب کربلا
۳۰	خدا دوستانش را می شناسد
۳۱	فرصتی برای انس بیشتر
۳۱	فرصت تفکر
۳۲	شوق دیدار
۳۳	قلب های تاریک

۳۴	یاوران حقیقی
۳۶	دژهای محکم ایمان
۳۶	در آرزوی شهادت
۳۷	بزرگ ترین معامله تاریخ
۳۷	نامی به بلندای تاریخ
۳۸	در سودای محبت دوست
۴۰	برگزیدگان مکتب ایمان
۴۲	۲. صبح عاشورا
۴۲	اشاره
۴۲	صبحی سهمگین
۴۳	جلوه گاه ایستادگی
۴۴	صبح مصیبت ها
۴۴	عاشورا جلوه گاه توکل
۴۵	دعای حسین علیه السلام چه بود؟
۴۶	در اندیشه شهادت
۴۶	پرواز روح
۴۷	چند نکته از یک دعا
۴۸	ودعای حسین علیه السلام مستجاب شد
۵۰	فصل دوم: پیام های عاشورایی
۵۰	اشاره
۵۲	۳. صراط مستقیم حسین علیه السلام
۵۲	اشاره
۵۲	شکست ناپذیران عرصه کربلا
۵۴	مقصد تربیتی انبیا
۵۴	پیروزمندان عرصه بندگی
۵۵	راه حسین علیه السلام صراط مستقیم

۵۶	جایگاه عزاداری سید الشهداء علیه السلام
۵۶	عاشورا و مسئولیت ها
۵۷	پیام سید الشهداء علیه السلام به جوامع انسانی
۵۸	حیات دین، مرهون شهادت حسین علیه السلام
۵۹	هشدار حسین علیه السلام
۶۱	شعار حسین علیه السلام
۶۲	فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت
۶۳	ارزش های حسینی و وظیفه ما
۶۴	۴. عبرت های عاشورا
۶۴	اشاره
۶۴	جامعه و عاشورا
۶۵	درس های عاشورا
۶۶	باوفاترین اصحاب
۶۷	عبرت از سپاه سیاه
۶۸	آفتاب نینوا
۶۹	امام علیه السلام و بیداری انسان
۷۰	قهرمانان عرصه بلا
۷۰	پیام آوران عاشورا
۷۲	۵. از عاشورا تا ظهور
۷۲	اشاره
۷۲	ابعاد یک حادثه عظیم
۷۳	جلوه های عاشورایی
۷۳	تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم السلام
۷۴	رابطه عاشورا با حکومت مهدوی
۷۶	از عاشورا تا رجعت
۷۷	ظهور، استمرار عاشورا

۸۰	فصل سوم: رسالت عاشورایی ما
۸۰	اشاره
۸۲	۶. پاسداری از شعائر حسینی
۸۲	اشاره
۸۲	ارزش حفظ شعائر
۸۳	درس عزت
۸۴	بایدهای مراسم حسینی
۸۵	۷. مسئولیت های عاشورایی
۸۵	اشاره
۸۶	پیام مکتب حسین
۸۶	حرفی است از هزاران کاندید عبارت آمد
۸۷	حوزه علمیه در خدمت مکتب عاشورا
۸۸	نکاتی در باب تبلیغ عاشورا
۸۸	حفظ هویت اسلامی
۹۰	شناخت اقلیم های تبلیغی
۹۰	ارتباط با جوانان
۹۱	تقارن عاشورا و نوروز
۹۲	۸. رسالت ذاکران اهل بیتعلیهم السلام
۹۲	اشاره
۹۲	دانشگاه عاشورا
۹۴	جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم السلام
۹۵	وظایف مداحان اهل بیت علیهم السلام
۹۷	مجلس عزای اهل بیت، دار الرحمه
۹۸	فصل چهارم: عاشورا در عاشورا
۹۸	اشاره
۱۰۰	۹. عاشورای مشهد الرضا

۱۰۳----- ۱۰. عاشورای خونین ۱۴۲۵-----

۱۰۳----- اشاره-----

۱۰۳----- یزیدیان زمان-----

۱۰۵----- درباره مرکز-----

سرشناسه: صافی، لطف الله، - ۱۲۹۷

عنوان و نام پدیدآور: با عاشورائیان/ تالیف لطف الله صافی گلپایگانی

مشخصات نشر: قم: موسسه انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ص ۹۵

شابک: ۹۶۴-۶۱۹۷-۳۳-۷۱۶۰۰۰ریال؛ ۹۶۴-۶۱۹۷-۳۳-۷۱۶۰۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی

یادداشت: کتاب حاضر در سال ۱۳۵۵ تحت عنوان "عاشورائیان" توسط انتشارات صدر منتشر شده است

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۶۴ - ۴۶۱

عنوان دیگر: عاشورائیان

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ق ۶۱ - ۴

رده بندی کنگره: ۴/۴BP/ص ۲ پ ۴ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۹-۴۳۴۲

ص: ۱

اشاره

با عاشورائیان

تالیف لطف الله صافی گلپایگانی

ص: ۲

همای سعادت

حسین! ای همایون همای سعادت

ص: ۳

شعار همه بود الله اكبر

اثر طبع: آيت الله العظمى صافى

ص: ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

واقعه جانسوز کربلا، نقطه عطفی در تاریخ بشریت و مدار تاثیر گذاری و الهام بخشی به همه انسان های آزاده و بیدار جهان شد.

آنان که سر مطهر عزیز خدا و پاره تن رسول را به شادباش زشت کردارترین اهل زمین بردند آرزوی خاموشی نوری را در دل می پروراندند که خداوند قادر متعال، اراده درخشش جاودان او را نموده بود. اکنون قریب به یک هزار و چهار صد سال از آن فاجعه بزرگ که نمود روشنی از ستیز همیشگی حق و باطل است می گذرد اما خورشید عالمتاب حسین علیه السلام هر روز در افق وسیع تر و متعالی تر در حال تجلی است.

از عاشورای سال ۶۱ هجری که ندای استغاثه نور چشمان رسول و ریحانه بتول در میان بغض و عداوت و دنیاپرستی فرزندان زادگان ضلالت، پاسخی شایسته نیافت قرن ها گذشته است اما بدون شک حسین بن علی علیه السلام از آن زمان تا کنون، لایزال بر انبوه بی شمار جان های شیفته و دل های بی قراری حکومت کرده است که داغ سرخ کربلا را از گلوی تاریخ، نسل به نسل تا پهنه قیامت، فریاد می کنند.

در حماسه بزرگ عاشورا رازی عظیم و مقدس نهفته است که مرور زمان و تکرار بی نهایت آن غم جاودان، نه تنها از عمق عظمت آن نکاسته بلکه هر روز، افق های روشن تری را در جلو چشمان حق طلبان عالم، گشوده است و به راستی این چه سر عظیمی است که یادها به فراموشی می روند اما یاد حسین هر روز تازه تر از گذشته در جان ها زنده می شود و چشمه حیاتی می گردد که جان های

شیفتگان را به حقیقت حیات طیبه، آشنا می سازد و تامل در ابعاد آن حماسه، بر بصیرت و بینش و معرفت آدمی می افزاید.

وسعت تاثیر گذاری و عمق نفوذ حماسه بزرگ عاشورا، که خود از معجزات آن محسوب می شود، به بیان ارزشمند مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت الله العظمی صافی، آن را تبدیل به یک «دانشگاه حسینی» نموده است: «به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی ها و ده ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب، افتخار می نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه السلام برخوردارند؟»

آیت الله العظمی صافی خود نیز به حضور بر همین خوان عظیم کرامت و ولایت مولایش حضرت اباعبدالله و شرکت در دانشگاه حسین علیه السلام افتخار می کند. او که خود از قبیله عاشوراییان و از تبار کربلاییان زمان است مرجعی بیدار و فقیهی جهادگر است که قریب به یک قرن، در احیای تفکر و بینش عاشورا و مبارزه با اهل بدع و ضلال، از پای ننشسته و در تبلیغ پیام بلند سید و سالار آزادگان جهان، با عمل و قلم و زبان خویش مجاهدت نموده است.

«با عاشوراییان»، از عاشورا و پیام آن و رسالت های عاشورایی امروز ما، سخن می گوید. این کتاب، مجموعه نوشته های عاشورایی حضرت آیت الله العظمی صافی است که در ۴ فصل، تنظیم گردیده است: دل نوشته های عاشورایی، پیام های عاشورایی، رسالت عاشورایی ما و عاشورا در عاشورا.

خواندن این کتاب که با ثری شیوا و روان نگاشته شده فرصتی مناسب برای همه شیفتگان مولایمان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است تا جلوه هایی جذاب و ماندگار از شخصیت آسمانی امام شهیدان و قیام حضرتش را با نگاهی عالمانه مرور نمایند و بر معرفت و بینش عاشورایی خویش بیفزایند.

مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی

فصل اول: دل نوشته های عاشورایی

اشاره

ص: ۱۱

سلام الله و سلام جميع انبيائه و ملائكته على مولانا أبى عبد الله الحسين و على اولاده و اهل بيته و اصحابه و انصاره و على زواره و شيعته. حشرنا الله فى زمرتهم بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله عليه اجمعين

ای کاش فردا نمی شد

خدایا! چه می شد اگر امشب را آن فردا نبود و تا صبح روز قیامت، بامدادش نبود و در فردایش آن جنایات هولناکی که تا آن تاریخ سابقه نداشت و بعد از آن همانند و نظیرش اتفاق نخواهد افتاد، رخ نمی داد و تاریخ بشریت، سیاه و آن چنان پر از ننگ و عار نمی گردید و اوج بی رحمی، بی وجدانی و درنده خوئی این بشر، که از هیچ مخلوق دیگری ظهور نمی کند نشان داده نمی شد، و آن ددمنشانی که در صحرای کربلا برای ارتکاب بزرگ ترین جرایم تاریخ گرد آمده بودند فرصت این همه گستاخی و اظهار

خباثت نفس را نمی یافتند.

آنان بدترین جنایتکارانی بودند که خود را به جیفهٔ دنیا و به یزید و ابن زیاد - آن جرثومه ها و تجسم ستمکاری، بی شرافتی، پستی، پلیدی و همهٔ رذایل اخلاقی و آن دشمنان مردمان مستضعف - فروخته بودند.

خدایا! اگر امشب به پایان نمی رسید، شمر و سنان و ابن سعد و حرمه و دیگر شقاوت پیشگانی که اولیای تو را محاصره کرده بودند نمی توانستند آن همه شقاوتی را که از خود نشان دادند در دفتر سیاه بنی نوع انسان، ثبت نمایند و میلیاردها بشری را که در طول تاریخ آمده و می آیند سرافکننده و شرمنده سازند.

خدایا! چه می شد اگر خورشید و ماهت از حرکت باز می ایستادند و زمین از گردش باز مانده بود تا در فردای امشب، عزیزترین و بهترین بندگان تو، حسین علیه السلام و یارانش به دست دشمنان تو به شهادت نمی رسیدند و آن همه مصائب جانکاه بر اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله تو وارد نمی شد؟

اما خدایا! تو خود صاحب این جهانی و دنیا را دار امتحان و آزمایش، قرار دادی و فرمودی:

لیلوکم ائکم احسن عملاً(۱)

به قضا و قدر تو ارزش انسان ها ظاهر می شود. تا آنها که بالاترین مراتب کمال انسانیت را دارند در اعلام

ص: ۱۴

۱- (۱). سورة هود، آیه ۷... تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما نیکوتر است.

ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة(۱)

و تو را بهترین مشتری شناخته و خود را به تو فروخته شناخته شوند. و هم آنهایی که در اسفل السافلین مکان می گیرند و

اولئک کالانعام بل هم اضل(۲)

توصیفی از خباثشان است خود را معرفی کرده و بشناسانند.

لا يُسئل عَمَّا یفعل و هم یُسئلون(۳)

انت العلیم الحکیم(۴)

رزم آورد حق و باطل

امشب سران دو گروه، که همواره در تاریخ، مواجهه و صف آرایی آنها در برابر یکدیگر را خوانده و می خوانیم، در کربلا به صحنه می آیند و تمام این عالم را تا پایان این جهان به تماشای مقابله و نبرد دو جبهه حق و باطل و موقف آنها مشغول می سازند.

موقف الهی و رحمانی حسین علیه السلام، اهل بیت و اصحابش که با آن عده به ظاهر اندک و معدود و به باطن امت ها و جهان هایی از شخصیت های

ص: ۱۵

۱- (۱). سوره توبه، آیه ۱۱۱؛ خداوند جان ها و اموال مؤمنین را به قیمت بهشت از آنان خریداری کرده است.

۲- (۲). سوره اعراف، آیه ۱۷۹؛ آنان مانند چهارپایان، بلکه پست تر هستند.

۳- (۳). سوره انبیاء، آیه ۲۳؛ (خداوند) از هر آنچه می کند بازخواست نشود و خلق از کردارشان بازخواست می شوند.

۴- (۴). سوره بقره، آیه ۳۲؛ و تو دانایی و کارهایت حکیمانه است.

بی نظیر و بی بدیل، برای بذل جان در راه خدا، عزت، کرامت، شرف انسانیت، اعلائی کلمه الله و احیای معالم دین تصمیم می گیرند و هیچ گونه فشار، تهدید و اوضاع ناگوار - از شهادت جوانان، تشنگی کودکان و اسارت فاضل ترین و با شخصیت ترین بانوان - به قدر ذره ای در تصمیم آنها اثر نمی گذارد.

و موضع نحس، ناپاک، پلید، ضد انسانی و بی شرمانه سپاه کوفه که با خدا اعلان جنگ داده اند، می خواهند با فرزند رسول خدا بجنگند و او و تمام یارانش را تشنه لب از دم شمشیر بگذرانند و محترم ترین و معتبرترین بانوان درگاه خدا را اسیر سازند.

گروه ابن سعد و شمر و سنان و خولی و یزید و ابن زیاد را طمع به جوایز و پست و مقام و یا بیم از یزید و ابن زیاد به کربلا کشانیده بود و گروه حسین علیه السلام و حزب خدا به شوق درک درجات عالی، دفاع از نوامیس دین و حرم نبوت و ولایت در آن میدان آزمایش، حاضر شده بودند.

سپاه سعادت و لشکر شقاوت

منظره شب عاشورای کربلای سال ۶۱ هجری قمری منظره ای عبرت انگیز و آموزنده بود؛ سعادت، مناعت و بلندی همت از سیمای یاران امام حسین علیه السلام، و شقاوت، دناوت و پستی از چهره پلید پیروان بنی امیه هویدا بود.

سپاه حسین علیه السلام که خود را چون رهبرشان، سعید می دانستند و به موقفی که داشتند افتخار می کردند و در حسین عاقبت خود هیچ شبهه و شکی به دل راه نمی دادند و فاصله ای بین خود و رستگاری و رسیدن به

لقاء الله جز شهادت در رکاب آقا و مولایشان نمی دیدند، آرام و مطمئن شب را به عبادت، به صبح رساندند.

و سپاه یزید، ابن زیاد و عمر سعد گرچه خود را به ظاهر پیروز می دیدند، اما هیچ یک خود را با موضعی که داشتند سعادت مند نمی دانستند و جز شمر و تنی چند از هم قماشانش، که شاید از کشتن اولیاء الله و فرزندان پیغمبر و آن مظاهر ایمان، توحید و کمال انسانیت لذت می بردند و احساس شرم نمی کردند، دیگران همه با وجدان خویش در جنگ و جدال بودند.

سپاه باطل و عدم بصیرت

به هر حال، اگر چه ما نمی توانیم هویت حق ستیزی فوق العاده و دشمنی بی اندازه بنی امیه با خاندان رسالت و میزان عداوتشان با دین را ارزیابی کنیم، اما می دانیم که با این وجود در میان همین اشقیاء کسی نبود که برای کشته شدن و بذل جان آمده باشد؛ همه آمده بودند تا بازگردند و جایزه بگیرند یا اینکه مورد خشم ابن زیاد قرار نگیرند. و در میان آنها بسا کسانی بودند که مانند حر منتهی شدن این جریان به شهادت امام علیه السلام را پیش بینی نمی کردند و کسانی دیگر هم شاید استقامت و ایستادگی امام و یارانش را در موقفی که داشتند باور ننموده و گمان می کردند پیشنهاد تسلیم یا جنگ و شهادت در آن شرایطی که بزرگ ترین شجاعان دنیا را به تسلیم وادار می نمود، کارساز می شود و امام و یارانش به ذلت تسلیم - العیاذ بالله - تن در می دهند.

خلاصه، جز عده معدودی، احدی از آنها نبود که بتواند خود را با حساب معنویات قانع سازد و از خسارت و صدمه معنوی ای که در این

جنگ می بیند استقبال داشته باشد و مرگ در آن مهلکه را برای خود هلاکت حقیقی نداند. آنها نمی توانستند مواقف امام و یارانش را داشته باشند؛ زیرا بر باطل بودند و نمی توانستند در وجدان خود جنگ با پسر پیغمبر را توجیه کنند.

سپاه حق، سپاه بصیرت

اما اصحاب امام همان طور که خود امام آنها را توصیف کرد و آنها نیز خودشان مکرر اعلام کردند، به چیزی جز شهادت در راه امام علیه السلام راضی نمی شدند و همه آمده بودند که در آن مهلکه، جان خویش را فدا کرده و به فوز شهادت نایل شوند. هدفشان از اینکه قرآن، موضع مجاهدین در راه خدا و در رکاب پیغمبر را به آن توصیف کرده و می فرماید:

قل هل تربصون بنا الا احدى الحسنين(۱)

بالا-تر بود. موقف آنها بین تسلیم و ترک حق و ترک امام یا شهادت در راه خدا خلاصه شده بود و آن راد مردان ایمان و شرف انسانیت، شهادت را اختیار کرده بودند و لحظه ای در آن تردید نکردند و به اینکه بر حق اند و شهادتشان در راه خداست و در این جنگ، زیان نمی کنند و کشته شدنشان در نزد خدا بی عوض نمی ماند، ایمان محکم داشتند؛ از این جهت حتی یک تن از آنها در روز عاشورا میدان جنگ را خالی نکرد در حالی که دشمنانشان هرکجا خطر مرگ را می دیدند پا به فرار گذارده و می گریختند.

ص: ۱۸

۱- (۱). سورة توبه، آیه ۵۲؛ بگو: آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید؟

شب عاشقان بی دل

شب عاشورا، خیام طاهره حسین علیه السلام و لشکرگاه آن حضرت پر از صفا و معنویت و شوق لقاء الله بود؛ صدای دلنوازشان به مناجات، بلند بود و تهجد و عبادتشان به انسانیت بها و ارزش می داد:

لهم دویّ کدویّ النحل ما بین راکع وساجد وقائم وقاعد(۱)

هیچ یک از آنها از اینکه فردا شب، زنده نیست متأسف نبود؛ فقط آن غیرتمندان با شهامت از این جهت نگران و متأسف بودند که می دانستند فردا شب، این با عظمت ترین بانوان بیوت شرف و کرامت، اسیر دشمن می شوند و حمایت کننده ای ندارند.

شب اتمام حجت ها

منظره شب عاشورای حسین و اصحاب آن حضرت، اتمام حجت دیگری با سپاه کوفه بود که بدانند می خواهند چه جنایت عظیمی را مرتکب شوند؛ تا بفهمند که با شب زنده داران و قاریان قرآن و بهترین خلق خدا رو به رو هستند؛ اگرچه بیشتر چهره هایی که برای یاری حسین علیه السلام آمده بودند برای آنها ناشناخته نبود.

ستارگان سپاه سیدالشهدا

حبيب بن مظاهرها و مسلم بن عوسجه ها، همه از کسانی بودند که سوابقشان در اسلام بر بیشتر سپاه کوفه به خصوص سران نامردشان پوشیده

ص: ۱۹

۱- (۱). برای آنان آوازی بود همانند آواز زنبوران در حالی که برخی در حال رکوع، برخی در حال قیام و برخی در حال قعود بودند.

نبرد و همه، آنها را به زهد، پارسایی، حفظ قرآن، عبادت و شخصیت می شناختند.

ابو عمرو نهشلی به تهجد و کثرت نماز توصیف می شد؛ همچنین سوید بن عمرو به شرافت و کثرت نماز، مشهور بود.

قارب، غلام امام، قاری قرآن بود، شؤذب، مجلس روایت داشت و از مشایخ حدیث بود، همچنین بریر بن خضیر از قراء قرآن بود. قیس بن مسهر و عمرو بن خالد و ابو ثمامه و سوید و عبدالله بن عمیر و سعید بن عبدالله و... همه از شخصیت هایی بودند که حضورشان در رکاب امام علیه السلام و فداکاری هایشان حقانیت خود و گروهشان را ثابت می کرد. علاوه بر اینکه جمعی از صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله مانند: انس بن حارث، حبیب بن مظهر، مسلم بن عوسجه، ابوسلامه و هانی، عبدالرحمن بن عبد رب انصاری و عبدالله بن یقظر نیز به شرف افتخار جان نثاری حسین علیه السلام مشرف بودند. اصحاب حسین علیه السلام شامل بزرگان، حاملان حدیث، عباد، زهاد، قراء مشهور و صاحبان سوابق در مغازی بودند که کشتن هر یک از آنها سندی معتبر برای محکومیت و بطلان طرف مقابل بود.

آفتاب کربلا

بدیهی است که مشروعیت و حقانیت موقف حسین علیه السلام به خود آن حضرت بود و اگر احدی از این بزرگان از اهل بیت علیهم السلام و از آن صحابه هم، ملازم رکابش نبودند حقانیت حسین علیه السلام و بر حق بودن قیامش مسلم بود، اما شهادت این بزرگان نیز در کنار آن موج وسیعی که شهادت سید الشهداء علیه السلام در دریای بیکران و پهناور عالم اسلام ایجاد

کرد و تا امروز بر وسعت آن افزوده می شود، امواجی بود که هر کدام جلوه خاص و معنا و مفهومی را عرضه می کند و عظمت آن موجی که هرگز پنهان نمی شود را بیشتر نشان می دهد.

چنان که اجتماع سران اراذل و اوباش و اعدای اهل بیت علیهم السلام و افرادی که معلوم بود در شرکتشان هیچ هدف صحیح و مقصدی ندارند و در ارتکاب بدترین جنایت ها و انجام فجیع ترین بی رحمی ها شرکت جسته و نیز برای خوش رقصی و اظهار ذلت و خودفروشی به بنی امیه، آماده شده اند، موقف عزت، سربلندی و سرافرازی یاران ابی عبدالله علیه السلام را بیشتر آشکار می ساخت.

خدا دوستانش را می شناسد

آری! فرشتگان الهی که به درگاه خدا عرض کردند:

اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء(۱)

به این گروه یزیدیان و شمر و ابن سعد و پیروان خط و راه آنها نظر داشتند.

و خداوند متعال که در جواب آنها فرمود:

انی اعلم ما لا تعلمون(۲)

به گروه حسین و اصحابش و کسانی که در طول تاریخ در این خط می باشند و از آنها پیروی می نمایند، عنایت داشت.

ص: ۲۱

۱- (۱). سوره بقره، آیه ۳۰؛ آیا کسانی خواهی گذاشت که در زمین فساد کنند و خون ها ریزند؟!

۲- (۲). سوره بقره، آیه ۳۰، من به آنچه شما علم ندارید، آگاهم!

چنانکه ارباب تواریخ و حدیث نگاشته اند، عصر روز تاسوعا وقتی عمر سعد بر حسب دستور ابن زیاد مبنی بر فوریت شروع جنگ، فرمان یورش به خیام طاهره را صادر کرد، به شرحی که در کتاب ها نوشته اند، امام حسین علیه السلام از آنها برای اجرای یک سلسه برنامه های عبادی و در واقع وداع با نماز، عبادات و تکالیف الهی یک شب مهلت خواست.

مؤمن آماده برای لقاء خدا، در عین شدت شوق برای فوز به لقاء، ادامه انس نمازی و عبادی خود با خدا را نیز دوست می دارد و آن را هم ظهور و جلوه ای از لقاء الله می بیند؛ برای ولی الهی مانند حسین علیه السلام که همه حالاتش در لقاء می گذرد، همه جلوات جلوه های لقای حق، لذت بخش است.

فرصت تفکر

این مهلت خواهی، متضمن معانی عالی و اعلان موضع برحق امام بر آن گروه ستمکار کافر بود، اعلان حقیقت، اعلان توحید و اعلان محکومیت دشمن بود و در عین حال مهلت و فرصتی برای سپاه عمر سعد بود که اگر برخی از آنان تا به حال فکر می کردند که جنگ، با تسلیم سید الشهداء علیه السلام و اصحابش به پایان می رسد و به شمشیر کشیدن بر روی آن حضرت، که با شمشیر کشیدن بر روی پیغمبر فرقی ندارد، منتهی نمی شود، اکنون که بر سر دو راهی جهنم و بهشت قرار گرفته اند در این یک شب در کار خود تأمل کنند.

اگر در همان عصر تاسوعا جنگ بلافاصله شروع می شد، برای آن عده ای که شب عاشورا به اصحاب امام می پیوستند دیگر فرصتی برای تصمیم گیری

و بازگشت به سوی حق وجود نداشت و چه بسا که برای سعادت‌مندی مانند حر نیز سعادت ندامت و رجوع به حق حاصل نمی‌گردید.

بنابراین، این مهلت یک شبهه اگر چه به حسین علیه السلام و اصحابش برای عبادت داده شده بود، اما مهلتی برای سپاه عمر سعد هم بود که در این یک شب فکر کرده و با رجوع به وجدان خود تصمیم بگیرند؛ اگر چه ابن سعد و شمر و سنان ها تصمیم خود را گرفته بودند و برای محاربه با خدا به کربلا آمده بودند، اما بسیاری بودند که به زور و تهدید و تحت تأثیر عواملی چون ضعف ایمان و نداشتن شجاعت نفسانی، و به امید خاتمه غائله با تسلیم شدن امام بودند؛ از این رو برای اینکه بر آنها اتمام حجت شود، این فرصت یک شبهه لازم بود که همین فرصت در رجوع عده ای به حق، مؤثر واقع گردید.

شوق دیدار

شب عاشورا، صدای عبادت و مناجات دلنواز حسین علیه السلام و اصحاب بزرگوارش صحرای کربلا را آکنده از عطر روحانیت، معنویت، شور و شوق و توجه به خدای متعال کرده بود؛ گروهی پاکباز، دل از جان شسته و خود را به خدا فروخته و مطلوب و مقصود خود را یافته بودند و دعوت به قرآن، دعوت به حق، دعوت به محکوم کردن ظلم و استکبار و دعوت به نصرت حق و دفاع از نوامیس دین را لیبیک گفته بودند.

دعاهایشان همه مشحون به معرفت و حمد و شکر الهی بود؛ خالصانه ترین ستایش‌ها و نیایش‌ها همان بودند که آن عزیزان در گاه خدا، به پیشگاه معبود حقیقی خود تقدیم می‌کردند.

آنان دلشان فارغ از همهٔ اغیار، و پر از اخلاص و محبت به او بود. آن حالی را که داشتند مغتنم می دانستند و به آن معراجی که عروج کرده بودند سرافراز و سربلند بودند.

قلب های تاریک

اما از آن سو، گروه یزیدیان که این منظرهٔ روحانی انصار الله در برابرشان قرار داشت، در عمق ظلمات و تاریکی هایی که در آن غوطه ور بودند و «بعضها فوق بعض» بود، آن روشنایی جهانتاب را می دیدند. اگر در آنها صاحب وجدانی بود غیر از خجالت، سرافکنندگی و از خود بیزاری، چه احساسی می توانست داشته باشد؛ آنها نه دستشان به دعا بلند می شد و نه می توانستند با عالم معنویت و لذت احساس به کمال و درک حق، ارتباط برقرار کنند. آنها چه دعایی می توانستند داشته باشند؟ آیا می توانستند پیروزی بر حق را از حق طلب کنند؟ آیا واقعاً می توانستند از خدا بخواهند که حسین و یارانش به دست آنها کشته شوند؟ به یقین حتی عمر سعد که با این زبان به لشکرش گفت:

یا خیل الله ارکبی و بالجنه ابشری(۱)

نیز نمی توانست میان خود و خدا، به حسین نفرین کند، او خوب می دانست که بهشت و رضای خدا با کاری که او می خواهد انجام دهد حاصل نمی شود. اگر کسی در لشکرگاه عمر سعد دارای ضمیر بیداری بود و دعا می کرد، دعایش غیر از این نبود که: «خدایا! فردا مرا از درگیر شدن با

ص: ۲۴

۱- (۱). ای لشکریان خدا سوار شوید و بر حسین یورش برید که به بهشت بشارتتان باد.

حسین علیه السلام و اصحابش نگهدار! مرا به شقاوت شرکت در خون حسین یا کشته شدن به دست حسین، مبتلا نساز! و همین عده معدود بودند که دعایشان مستجاب شد و به حسین و انصار حسین ملحق شدند.

به راستی که شب غریبی بود آن شب، و این دو گروه را حالات غریب متضادی بود.

یاوران حقیقی

حسین علیه السلام با دلی آرام و مطمئن و سرشار از شوق به لقاء الله خطبه خواند؛ خدا را به نیکوترین بیان، نیایش و ستایش کرد و بر اینکه آنها را به نبوت، پیامبری، علم قرآن و فقه دین سرافراز فرموده و چشم و گوش و دل (بصیرت و بینش همه جانبه) بخشیده، حمد نمود و اصحاب خود را مدح و توصیف کرده و فرمود:

فانی لا اعلم اصحابی اوفی و لا خیراً من اصحابی و لا اهل بیتی ابر و لا اوصل و لا افضل من اهل بیتی فجزاکم الله عنی خیراً(۱)

من اصحابی را باوفاتر و بهتر از اصحاب خودم و اهل بیتی را نیکوکارتر، متحدتر و فاضل تر از اهل بیت خویش نمی دانم؛ خدا شما را از من پاداشی نیک دهد.

سپس به آنها فرمود که شرط نیکی و یاری را به جا آوردید و به آنان اذن داد که از آن اقیانوس موج پر از آزمایش به کنار روند و جان خود را

ص: ۲۵

۱- (۱). تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۱۵ و ارشاد، ص ۲۳۱.

نجات دهند و آنها را از بیعت و تعهدی که نسبت به آن حضرت داشتند آزاد و بری الذمه فرمود که بروند و متفرق شوند و به منازل و شهرهای خود برگردند.

فان القوم انما يطلبوننی و لو قد اصابونی للهوا عن طلب غیري (۱)

این مردم قصد تعرض به من را دارند و اگر به من دست بیابند به غیر من نمی پردازند.

آن اهل بیت بزرگوار و آن اصحاب با وفا یک قول و یک سخن، پاسخ دادند که ما هرگز چنین کاری نمی کنیم و امام خود را در میان دشمن، بی یار و تنها نمی گذاریم.

برادران آن حضرت، برادرزادگان و عموزادگانش همه گفتند، ما چنین نکنیم، چرا برویم؟ برای اینکه بعد از تو زنده بمانیم!؟

لا ارنا الله ذلک ابدأً (۲)

خدا ما را بی تو هرگز زنده نگذارد!

ما جان خود و کسان خود را فدای تو می کنیم و در راه تو جهاد می کنیم و در هر بلا و مصیبتی که تو وارد شوی ما نیز وارد می شویم.

ص: ۲۶

۱- (۱). الکامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۵۷.

۲- (۲). ارشاد، ص ۲۳۱.

پس از اینکه بنی هاشم از این مقوله سخن گفتند و تصمیم قاطع خود بر

شهادت را اعلام کردند اصحاب به نوبه خود برمی خاستند و با عرض جانفشانی و جان نثاری در آن موقعیت به ظاهر پر از رعب و وحشت، که بر حسب عرف و عادت باید از آن پیشنهاد امام استقبال نمایند، ایمان محکم خود را به امام و راهی که در پیش گرفته اظهار می نمودند و به مرگ و آن شداید و مصائب جانکاهی که پیش رو داشتند اهمیتی نمی دادند و خوشحال و سرافراز بودند که از بوتۀ امتحان چنان بی غل و غش بیرون می آیند.

در آرزوی شهادت

مسلم بن عوسجه ضمن بیان سخنانی پر از معنا و حقیقت، گفت:

«به خدا قسم اگر بدانم کشته می شوم سپس زنده می شوم و باز کشته می شوم و به آتش سوزانده می شوم و خاکسترم بر باد داده می شود و هفتاد بار با من چنین رفتار نمایند، از تو جدا نمی شوم تا جانم را در راه تو فدا نمایم؛ پس چگونه دست از دامن تو بردارم در صورتی که غیر از یک کشته شدن نیست که آن هم موجب کرامت بزرگ تر و جاوید است؟»^(۱)

زهیر گفت:

«دوست دارم هزار بار مرا بکشند و خداوند متعال به کشته شدن من، از تو و از این جوانان اهل بیت کشتن را بگرداند.»^(۲)

ص: ۲۷

۱- (۱). الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵۹.

۲- (۲). همان.

سایر اصحاب نیز آنچه باید در چنین موقعیتی بگویند را به عرض رساندند و دلاوران جهان و قویدلان را از درجه بلند قوت، استقامت،

بی پروایی از مرگ و وحدت کلمه خود مبهوت و متحیر ساختند.

بزرگ ترین معامله تاریخ

آری! آنچه این راد مردان می خواستند، بهایش همان بذل آن نفوس طیبه و جان های پاک بود.

احیای دین، برانداختن بدعت ها، اعلائی کلمه الله، نجات اسلام و معالم انسانیت از خطر اضمحلال، ابطال باطل، تبدیل تفکر اموی به تفکر محمدی و اسلامی و محکوم ساختن حکومت مشرکانه سفیانی بود که به قول شاعر:

لولا صوالمهم و وقع نبالمهم

لم یسمع الاذان صوت مکبر(۱)

آنان با بذل جان، رضای خدا و خشنودی رسول خدا و نصرت حق و نصرت قرآن را می خریدند. آنها به رضوان خدا نظر دوخته بودند و الحق در معامله ای که کردند آن چنان سودی بردند که احدی از انبیا و اولیا در معامله با خدا بیشتر از این سود نبرده است.

نامی به بلندای تاریخ

آن شب و آن روز در بستر زمان بسیار کوتاه بود و به سرعت گذشت، اما آن صبر، پایداری و استقامت بر تصمیم در هر ثانیه ای از آن شب و روز

ص: ۲۸

۱- (۱). اگر شمشیر آتشبار و تیراندازی آنان نبود گوش ها هرگز صدای تکبیر را نمی شنیدند.

تنها از کسانی مانند آن نخبگان فضیلت و شخصیت، قابل ظهور و صدور است.

گوارا باد بر آنان رضای خدا و رضای رسول خدا صلی الله علیه و آله و رضای امیر المؤمنین علیه السلام و رضای فاطمه زهرا سلام الله علیها و رضای امام مجتبی علیه السلام و رضای آقا و مولایشان حسین علیه السلام.

همه جهات مادی آنها - که عاقبت هم از میان می رود - در آن معرکه از بین رفت، اما فضیلت، معنویت و نام بلند آنها باقی ماند و اگرچه دشمن بر آن ابدان طیبه چیره شد اما هرچه کرد نتوانست بر مکارم اخلاق، حریت، ایمان، اصطبار و موضع ضد ظلم و استضعاف آنها مسلط شود.

قد غیر الطعن منهم کل جارحه

الا المکارم فی امن من الغیر(۱)

خدایا! ما آنها را دوست می داریم و به کار آنها راضی و خشنودیم و مواضع آنها را می ستاییم؛ ما را در زمره آنان و دوستانشان مقرر فرما.

در سودای محبت دوست

اگر شنیده اید که فرموده اند اصحاب سید الشهداء علیه السلام درد شمشیر را احساس نمی کردند، باور کنید و تعجب نکنید! آنچه آنها می دیدند و به شوق آنچه آنها می رزمیدند و نیل به مقامات و درجاتی که آنها به آن ایمان داشتند، شخص را از احساس رنج و درد تیر و شمشیر باز می دارد.

ص: ۲۹

۱- (۱). شیخ کاظم ازری؛ طعن نیزه ها همه جوارح آنها را تغییر داد جز مکرمت های آنان که از هر تغییری در امان بود.

انسانی که گرم توجه به حق تعالی است و در عوالم وصال با او سیر می کند اگر غیر او و خودش را فراموش کرده و خلع بدن شده باشد عجیب

نیست چنان که معروف است که پیکان تیر را از بدن امیرالمؤمنین علیه السلام در حال نماز می کشیدند و آن حضرت دردی احساس نمی فرمود:

در نماز آن چنان زجا رفتی

وقتی که بانوان مصری با دیدن جمال یوسف چنان از خود بی خود شدند که بر حسب آیه کریمه:

فلما رأينه اکبرنه و قطعن ایدیهن و قلن حاش الله ما هذا بشراً ان هذا الا ملک کریم(۱)

دست های خود را به جای ترنج بریدند و به آن التفات نداشتند، پس اگر اصحاب سید الشهداء علیه السلام با آن درجه بلند معرفت و با اینکه غرق تماشای جمال الهی بودند و بر حسب اخبار، حضرت منازل آنها را به آنان نشان داد، ضرب شمشیر و تیر و نیزه را بر جان خود خریدند و آن چنان

ص: ۳۰

۱- (۱). سوره یوسف، آیه ۳۱؛ هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار بزرگ شمردند و دست های خود را بریدند و گفتند: منزله است خدا؛ این بشر نیست این یک فرشته بزرگوار است!

گرم شور و شوق و فوز به لقاء الله و ثواب حق تعالی شدند، جای تعجب نیست.

برگزیدگان مکتب ایمان

این اصحاب، برگزیدگانی بودند که از پیش برای چنین امتحانی آماده شده بودند و در درک این فضیلت از همه بزرگان و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و یاران امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام که در آن عصر زنده بودند، پیشی گرفته و بر همه، فضیلت، بلندی و رتبت یافتند.

در کتاب «بصائر الدرجات» از حذیفه بن اسید غفاری قریب به این مضمون نقل شده است که:

«پس از اینکه حضرت مجتبی علیه السلام از کوفه به سمت مدینه عزیمت کرد من در التزام رکاب آن حضرت بادم و شتری را دیدم که باری بر آن است و پیشاپیش حضرت، حرکت می کند. به حضرت عرض کردم: «جعلت فداک (فدایت شوم)! مگر بار این شتر چیست که شما به آن توجه دارید و آن را زیر نظر قرار داده اید؟» فرمود: «طومار اسامی شیعیان ماست.» گفتم: «فدایت شوم! می شود آن را به من نشان بدهی تا نام خودم را در آن بینم؟» فرمود: «آری! فردا صبح نزد من بیا.» از آنجا که من خود خواندن نمی دانستم، برادر زاده ام را به همراه خویش بردم. حضرت مجتبی علیه السلام فرمود: «این جوان کیست؟» عرض کردم: «برادرزاده من است؛ او را آورده ام تا نام مرا در آن طومار ببیند.» حضرت مرا امر به نشستن فرمود و دستور داد آن دیوان و دفتری را که در میانه است بیاورند. برادر زاده ام در آن

نگریست و گفت: «عمو! اسم من در این صحیفه است.» گفتم: «من تو را آورده ام تا نام من را بجویی و تو نام خود را می خوانی؟» جوان چند برگ را ورق زد و سپس نام مرا نیز در آنجا پیدا کرد. من از این در تعجب ماندم

که چگونه نام او پیش از نام من ثبت شده بود تا اینکه آن جوان در رکاب حضرت سید الشهداء علیه السلام افتخار شهادت یافت و راز آنکه اسم او را در ورق ها پیش از نام عمویش، حدیفه ثبت کرده بودند، معلوم شد.»

شاید از این جهت باشد که وقتی ابن عباس حبر امت به ترک ملازمتِ رکابِ سید الشهداء علیه السلام در سفر به کربلا مورد عتاب و ملامت قرار گرفت، جواب داد: «ان اصحاب الحسین لم ینقصوا رجلاً- نعرفهم و لم یزیدوا رجلاً- باسمائهم من قبل شهودهم.»؛ اسامی اصحاب امام حسین علیه السلام را از قبل می دانستیم، نه یک نفر کم و نه یک نفر زیاد.

و از محمد بن حنفیه نقل است که گفت: «ان اصحابه عندنا لمکتوبون باسمائهم و اسماء آبائهم.»؛ اصحاب امام حسین علیه السلام در نزد ما با اسامی خود و پدرانشان مشخص بود.

سلام الله علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التي حلت بفنائک علیکم منی سلام الله یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً

السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين

صبحی سهمگین

صبح روز عاشورا، صبح روز رستاخیز عظیمی است که بشریت در هولناک ترین مواقع و هراس انگیزترین ایستگاه ها قرار گرفت و با حوادثی رو به رو شد که فرشتگان آسمانی را هم به شگفتی انداخت.

صبحی است سخت رهیب؛ مخاطراتی که در پی دارد و امتحاناتی که برای انسان پس از آن پیش می آید، چنان شکننده است که شکست ناپذیری در برابر شدايد آن، جلوه امر محال و غیر ممکن را دارد. اگر آن سختی ها بر آسمان ها و زمین و کوه ها فرود می آمد، تحمل آن را نداشتند و اگر توان همه افراد بشر را یک نفر داشته باشد باز هم توان غلبه بر شدايد و مصائب این روز از صاحب آن، عجیب و حیرت انگیز است.

استقبال از این روز، تنها در تاریخ انسانیت، از یک نفر صادر شده است (۱) و نه پیش از او سابقه داشته و نه بعد از آن اتفاق می افتد؛ یک نفر که از نظر ظاهری یک تن بود، اما از نظر معنا و بصیرت در معنویت و شخصیت، یک عالم و عالم ها و بیش از آسمان ها و زمین و بهشت و آنچه در آنهاست بود، و همان مثال حقیقی و اکمل «الصورة الانسانية هي أكبر حجج الله على خلقه، وهي الكتاب الذي كتبه بیده وهي الهيكل الذي بناه بحكمته، وهي مجموع صور العالمين وهي المختصر من العلم في اللوح المحفوظ» (۲) بود، بزرگ مردی که در این روز و در این میدان پر از آنچه در نظر همه وحشتناک، هول انگیز و غیر قابل تحمل است، ایستاد.

آن کس که اصالت و شرف انسان، اوج عظمت خود و ارزش انسان در تمام عوالم خلقت را به همه مخلوقات و ممکنات نشان داد و آیاتی مانند

ص: ۳۴

۱- (۱). البته بزرگانی مثل سایر خمسه النجباء عليهم السلام نیز واجد همین قدرت روحی و توان عظیم ایمانی بودند اما اجرای این برنامه عظیم و ایستادن در موقف تاریخی و بی نظیر به عهده حسین علیه السلام و بر دوش آن حضرت افتاد.

۲- (۲). صورت انسانیت بزرگترین حجت های خدا بر خلق او است و آن کتابی است که خدا با دست توانای خود آن را نوشته و آن هیکلی است که به حکمت خود آن را بنا کرده و آن مجموع صورت جهان ها و عوالم است و آن مختصر علوم است که در لوح محفوظ است؛ حدیث معروف است و صدر آن به این متن در تفسیر صافی، در تفسیر آیه ۲ سوره بقره نقل شده است: «الصورة الانسانية هي أكبر حجج الله على خلقه وهي الكتاب الذي كتبه الله بیده»

«لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم»^(۱) و «فتبارك الله احسن الخالقين»^(۲) و «انى اعلم ما لاتعلمون»^(۳) را تفسیر نمود، حسین است؛ حسین انسانیت، حسین ملائکه، حسین انبیا، حسین ابراهیم و موسی و مسیح، حسین محمد و علی و فاطمه، حسین حسن، حسین اسلام، حسین قرآن، حسین صبر و استقامت، حسین حق و عدالت، و در نهایت حسین خدا و حسین و حسین.

صبح مصیبت ها

صبح روز عاشورا است؛ صبحی که آبستن مصایب جانکاهی است که حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحابش باید به استقبال آنها بروند و از دین، قرآن و شرف آل محمد صلوات الله علیهم و شرف همه انسان های شریف، دفاع کنند و در این روز، یگانه راهی را که طی کردن آن برای نخبگان در طول قرن ها میسر نمی شود، با عزت و سرافرازی طی نمایند.

صبح عاشورا است؛ انبوه لشکر ظلم و ضد انسانی، لشکری که برای انجام بزرگ ترین جنایات آماده شده بودند، گروه معدود و به ظاهر اندک از نخبگان عالم وجود را محاصره کرده بودند.

عاشورا جلوه گاه توکل

حسین علیه السلام و اصحابش با تصمیم قاطع و عزمی راسخ، به تمام دنیا، مردم آینده جهان، فرشتگان و همه، اعلام وجود می نمایند، و الله اکبر از آن عظمت ایمان و عظمت هدف و مقصد!

ص: ۳۵

-
- ۱- (۱) . سورة تین، آیه ۴؛ به تحقیق که ما انسان را به بهترین صورت و نظام آفریدیم.
 - ۲- (۲) . سورة مؤمنون، آیه ۱۴؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.
 - ۳- (۳) . سورة بقره، آیه ۳۰؛ من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید.

حسین علیه السلام اگر چه وجودش مالا مال از توجه خاص به خداوند متعال بود و اگر چه دلش در حد کمال، محکم و استوار بود و می دانست که در آن معرکه، که دشمن همه گونه شرارتی را مرتکب می شود، نه خودش و نه اصحابش شکست نمی خورند، و با روحیه و قوت ایمان به خدا در خط خود و صراط مستقیم فداکاری در راه دین و استقبال از شهادت، دشمن را بیچاره می نمایند، اما با این همه، مرد موحد و بنده خاص و خالص خدا همه چیز و همه نیروها را از او می داند و فقط او را حی و قیوم می شناسد، از این رو با ابتهال تمام، از خدا طلب کمک کرده و وثوق و اعتماد خود به پروردگارش را اعلام می نماید، و چنان دعا و ابتهال می کند که زبان و بیان ما از تقریر این شور و شوق و توجه حسین و اصحابش به خدا عاجز است.

دعای حسین علیه السلام چه بود؟

حسین علیه السلام در این روز آنچه را که به ظاهر برای انسان عزیز است و همه برای حفظ آنها دعا می کنند، در ورطه خطر قطعی می بیند. او دعا می کند، اما دعایش نجات ظاهری از این ورطه و امتحان بزرگ نیست؛ دعا نکرد که خدایا! جوانانم و برادرانم را از این قتل و شهادت و اهل بیت را از اسارت، نجات بده و آنها و اصحابم را باقی بدار، یا شیر خوارم را مورد ترحم این اشرار قرار بده؛ نه! او این گونه دعا نمی کرد و هیچ یک از اصحاب و یاورانش هم این گونه دعا نمی کردند؛ آنها همه به شهادت می اندیشیدند؛ آنها از اینکه انصار خدا، انصار رسول خدا و انصار حق می باشند به خود می بالیدند.

و چیزی که به فکر آنها خطور نمی کرد، نجات از مرگ بود. آنها همه مستغرق در بحار توجه به خدا و نیل به فوز شهادت بودند، دعایشان این بود که در شهادت و ایثار جان در راه خدا هر چه بیشتر، خالصانه و موفق تر عمل نمایند و فداکارتر باشند و در برابر ضربات تیرها و شمشیرها و نیزه های دشمن، شایق تر ایستادگی نمایند؛ کشته شدن در راه خدا و شهادت، فوز عظیمی بود که به چشم خویش می دیدند و با اختیار و اشتیاق تمام به سوی آن می شتافتند.

پرواز روح

دعای حسین علیه السلام در این روز، دعایی است که اوج پرواز روح آن حضرت را به نمایش گذاشته، و ارتباط خاص و خالص او با خدا را بیان می کند. نکته های بزرگی که در این دعا و در این موقعیت نهفته، بسیار آموزنده و سازنده است؛ این بالاترین مقام ربط و قرب آنان به خداست؛ انسانی که تمام وجودش معنای «ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین»^(۱) است دعا این است:

اللهم انت ثقتی فی کلّ کرب وانت رجائی فی کلّ شدّه وانت لی فی کلّ امر نزل بی ثقه و عده، کم من همّ یضعف فیہ الفؤاد، وتقلّ فیہ الحیله، ویخذل فیہ الصدیق، ویثمت فیہ العدو، انزلته بک و

شکوته الیک رغبه منی الیک عن سواک، ففرجته

ص: ۳۷

۱- (۱). سورة انعام، آیه ۱۶۲؛ نماز و تمام عبادات من وزندگی و مرگم برای خداوند؛ پروردگار جهانیان است.

عنی و کشفته و کیفیتیه، فانت ولی کلّ نعمه، وصاحب کلّ حسنه، و منتهی کلّ رغبه (۱)

چند نکته از یک دعا

در این دعا، که جمله های توحیدی آن را بزرگان علما و اهل معرفت و ارتباط با حقایق عالی و معانی متعالی باید شرح بدهند و برهان قدرت ایمان، وثوق، اعتماد و امید امام علیه السلام به خداست، به نکته های بزرگی اشاره شده است.

اول: توحید در مقام وثوق و اعتماد و اتکا؛ امام علیه السلام در اندوه ها تنها خدا را پشتیبان و تکیه گاه خود می داند و به احدی غیر از خدا اعتماد و اتکا ندارد.

دوم: توحید در مقام رجا و امید؛ که در این مرتبه و مقام نیز حسین علیه السلام در هر شدت و سختی به او و حسن قضای او امیدوار است.

سوم: خدا را ستایش می نماید که در همه حالات و همه هم و غم ها، هموم و غموم او را برطرف ساخته و غصه هایی که دل را ضعیف می نماید و راه چاره در آنها بسته می شود و در آن دوست، شخص را وامی گذارد و

دشمن، شماتت می نماید، بر طرف فرموده است. در اینجا و در این موقف

ص: ۳۸

۱- (۱). مقتل الحسین، ابی مخنف الازدی؛ ای خدا! پناه من در هر غمی تو هستی و امید من در هر سختی تو هستی. در هر چه بر من روی آورد تو پناه و یاری کننده من هستی. چه بسیار از غم هایی که دل را به تپش در می آورد و چاره را کم می کند و رفیق را درمانده و دشمن را خشنود می کند به تو واگذار نمودم و شکایت آن را به تو کردم برای رغبتی که فقط به تو داشتم نه به غیر تو، و تو آن غم را دفع کردی. پس تو صاحب هر نعمت و هر خوبی هستی و منتهای هر آرزویی تویی.

هولناک نیز از خدا می خواهد که به او توان حفظ آن موقف را عطا کند و او را در تحمل این همه مصیبت ها و بلیات یاری فرماید که تا پایان راه، همه این مدارج و معارج را خودش و اهل بیت و اصحابش با عزمی خلل ناپذیر طی نمایند، و مشتاقانه، یکایک گردنه های خوفناک این وادی را پشت سر گذاشته و پیش بروند؛ و بروند تا به جایی برسند که دیگر این عقل های محدود ما از درک اوج آن عاجز است، و همه قله های عظمت را فتح نمایند.

ودعای حسین علیه السلام مستجاب شد

این دعا و این ابراز اعتماد و وثوق به بهترین وجهی مستجاب شد، و حسین به آنچه اراده کرده بود و می خواست، رسید؛ همه مقاصدش حاصل شد و همه حوائج حقیقی و خواسته هایش برآورده گردید؛ همه یاران و اصحابش قله های بلند تقرب به خدا را فتح نمودند و برکات کار آنها تا روز قیامت، شکوفا و زنده و پایدار است و آیه شریفه

ضرب الله مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء (۱)

در طول قرون و اعصار تا روز قیامت، تفسیر شد.

والسلام علی الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین و رحمه الله و برکاته (۲)

ص: ۳۹

۱- (۱). سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۴؛ خداوند کلمه طیبه را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرد که ریشه آن ثابت و شاخه های آن در آسمان است.

۲- (۲). نگاشته صبح عاشورای ۱۴۲۸ هـ - ق.

فصل دوم: پیام های عاشورایی

اشاره

ص: ۴۱

اشاره

أعظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام و جعلنا و اياكم من الطالبين بثاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد عليهم السلام

قال الله تعالى: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ(۱)

شکست ناپذیران عرصه کربلا

تاریخ رجال بزرگ عالم بشریت، مردان خدا، انبیا، اولیا، از مواقف بسیار هولناک و وحشت زا و روزها و هنگامه های بسیار خطرناکی که برای آنها پیشامد نموده، حکایت می کند که حفظ موضع، مقام، استقامت و انجام وظیفه در آن شرایط موحش، نه تنها کار انسان های عادی نیست؛ بلکه بسیاری از تَهْمَتَنان، شیردلان و صاحبان عزم و اراده آهنین نیز در این مواقع

به زانو درآمده و در موضع و مقامی که باید بر سر آن بایستند پایدار

ص: ۴۳

۱- (۱). سورة احقاف، آیه ۱۳؛ کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، پس استقامت ورزیدند، ترس و اندوهی بر آنان وارد نمی شود.

نمی مانند. این مواقف گاه تا حدی بلاخیز و مصیبت زاست که در عرف اکثریت، استقامت بر آن محال و ترک آن مُجاز شمرده می شود.

کسانی که در این مواقف ایستادند و انجام وظیفه نموده، از شرف انسانیت و ایمان و عقیده خود به خدا دفاع کرده، خطرات را تحمل نموده و در امواج بلیات و تلاطم اقیانوس های مصائب و فشارها غرق نشدند، از نوادر عالم خلقت می باشند.

آنان شکست ناپذیر، شکیبیا و مقاوم بر جای می مانند و جز در مقابل خدای عظیم در برابر احدی سر تسلیم فرود نمی آورند و هیچ گونه فشار، محرومیت و مصیبتی روحیه آنها را دستخوش تلاطم نمی کند.

نه بیم از زوال مقامات بلند و ظواهر و مظاهر فریبنده جهان - که بسیاری فریفته و دلباخته آن هستند - آنها را به عوض کردن مسیرشان وادار می سازد و نه ترس از شداید، رنج ها و سختی ها، در صبر و مقاومتشان سستی ایجاد می کند؛ کوه های سخت از هم می پاشند اما این رجال الهی متزلزل نمی شوند.

رجال لاتلهیهم تجاره و لا یبع عن ذکر الله و اقام الصلوه و ایتاء الزکوه یخافون یوماً تتقلب فیہ القلوب و الأبصار(۱)

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم

ص: ۴۴

۱- (۱) . سورة نور، آیه ۳۷؛ مردانی که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا، اقامه نماز و ادای زکات غافل نمی کند. آنان از روزی می ترسند که در آن دل ها و دیدگان زیر و رو می شود.

مقصد تربیتی انبیا

یکی از مقاصد مهم بعثت انبیا و تربیت های وحیانی، پرورش همین روحیه مقاومت در برابر اموری است که تسلط آنها بر بشر موجب هلاکت، خسران، زیان معنوی و واقعی و سقوط او می گردد. همه باید مقاوم تربیت شوند و همه باید بر غرایز و خواسته های حیوانی و مشتتهای جسمانی مسلط شوند تا در برابر نفس اماره، شهوت، حب جاه، حب مال، حب دنیا و جنود جهل مغلوب نشوند و در این میدان و رزمگاهی که همواره برپاست غالب و پیروز باشند.

پیروزمندان عرصه بندگی

در این میان، چنان که گفته شد انبیا، اولیا و ائمه هدی علیهم السلام از همگان گوی سبقت ربوده اند و پیروزمندانۀ مواقف خود را حفظ نموده و عوامل سلبی یا ایجابی در اراده و عزم آنها اثری نبخشیده است. موقف ابراهیم خلیل، موسای کلیم، عیسای مسیح و مواقف عظیم حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و مواقف امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و سایر ائمه هدی علیهم السلام، همه سرمشق، آموزنده، فوق العاده و از مظاهر بزرگ اوج عظمت مقام انسانی و برتری آنها بر فرشتگان و ملائکه است.

ص: ۴۵

۱- (۱). سورة احزاب، آیه ۲۳؛ از میان مؤمنین مردانی هستند که برابر عهد خویش با خداوند صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر رسانیدند و بعضی دیگر در انتظارند، و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد خویش نداده اند.

در این میدان ظهور، موقف حسین علیه السلام و استقامت و پایداری آن حضرت، بی مانند است؛ آن موقف پر از مصیبات و عوامل بازدارنده ای که همه - حتی بر حسب زیارت ناحیه مقدسه - ملائکه را شگفت زده کرده که اگر این بشر است، پس این همه مردمی که اسیر هوا و هوس خود شده و بنده زر و مال و گرفتار ظلم، تجاوز، شرک و کفرند، کیستند؟!

با چنین حُسن و ملاحات اگر اینان بشرند

ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند

این موقف، شرایطی بود که برای هیچ یک از انبیا و اولیا؛ نه آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و نه شخص اول عالم امکان، حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و نه برای حضرت ابو الاولیا، امیر المؤمنین علیه السلام و نه برای سایر ائمه هدی علیهم السلام پیش نیامد و این موقف، مختص به خود آن حضرت بود و این ظهور و جلوه کرامت انسانیت تنها در این موقف، تجلی نمود.

هر انسانی که بخواهد از این موقف عظیم چیزی بگوید یا بنویسد اگر در اوج قدرت علمی و ادبی باشد، متحیر می شود که از کجا شروع کند و کدام یک از ابعاد بی منتهای این موقف الهی را مطرح نماید.

اگر کیهان شناسان، علمای هیأت، صاحبان معرفت و ارباب اطلاع از این جهان پهناور که تعداد کهکشان هایش را تا یکصد و بیست میلیارد هم شماره کرده اند و اگر دیگران و دیگران که در رشته های شناخت اجزای این جهان هستی از انسان، حیوان، کوه، دریا، نور، ذره و اتم و... آگاه و با

اطلاع اند، در برابر قدرتی که این مخلوقات کوچک و بزرگ را آفریده، تکبیر و تهلیل و سبحان الله ربّ السموات و الأرض می گویند. ما قدرت بی انتهای همان خالق کهکشان ها و جمیع عالم آفرینش را در خلقت حسین، صاحب آن همه عظمت ها هم می شناسیم و تسییح، تهلیل و تکبیر می گوئیم و «سبحان الذی خلق الحسین و اهل بیده و اولاده و اصحابه و انصاره» بر زبان جاری می کنیم.

ما خط حسین علیه السلام را، صراط مستقیم خط نجات و رستگاری می دانیم؛ خط جهاد، خط امر به معروف و نهی از منکر، خط مبارزه با کفر و بدعت، خط ایثار و فداکاری در راه حفظ اسلام، خط محکوم کردن رؤسای ضلالت و سران مروج فسق، ملامتی و مناهی.

جایگاه عزاداری سید الشهداء علیه السلام

ما به این خط مشی ها و عزاداری ها و سوگواری ها برای حسین علیه السلام و به برنامه های سازنده و تعهد بخش عاشورا و مجالس روضه، به همه افتخار می کنیم و این مراسم را، البته در محدوده التزام به حفظ تمام ضوابط شرعی، همه ساله احیا می کنیم و با اسلام و دین و مذهب تجدید عهد می نماییم و همچنین عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام و زیارت او را موجب مغفرت و آمرزش گناهان می دانیم و برای این برنامه ها، معانی عالی و تفسیرهای بلند داریم.

عاشورا و مسئولیت ها

باید با یاد و تذکر خاطرۀ عاشورا و فداکاری های سید الشهداء و اصحاب

بزرگوارش در راه اسلام و دفاع از دین و مسئولیت های مهمی که در برابر دین، قرآن و حضرت بقیت الله، امام عصر ارواح العالمین له الفدا داریم آشنا شویم و خود را برای پیروی از اهداف کربلا و مقاصد آن امام شهدا آماده سازیم. می دانیم که حسین علیه السلام با نادانی ها، گمراهی ها، ستم ها و با استضعاف و استعلا مبارزه می کرد. او با مقصد یزید و با هدف ابن زیاد و افکار خبیث اموی و یزیدی مخالف بود.

شیعه و دوستدار امام حسین علیه السلام باید این خط حسینی را همیشه احیا نموده و سرمشق عمل خود قرار دهد. این محرم و صفرها و این عزاداری هاست که اسلام را نگاه می دارد.

پیام سید الشهداء علیه السلام به جوامع انسانی

شعار

لیرغب المؤمن فی لقاء الله محققاً انی لا أرى الموت إلا سعادة و لا الحیاه مع الظالمین إلا برماً (۱)

از برکت خون حسین تا ابد زنده است و ستمکاران و بی دینان و بدخواهان بندگان خدا را محکوم می نماید.

فریاد آن حضرت که در آسمان و زمین پیچید و همه را به حفظ شرف و مجد انسانیت خواند، اکنون هم بلند است و رساتر و کوبنده تر به گوش می رسد که فرمود:

ص: ۴۸

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱؛ مؤمن را بایسته است که خواهان دیدار خدا باشد که من چنین مرگی را جز سعادت و زندگی در کنار ظالمان را جز ننگ نمی بینم.

ألا و ان الدعى ابن الدعى قد ركز بين اثنتين بين السله و الذله و هيهات منا الذله أبى الله ذلك لنا و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت و انوف حميه و نفوس ابيه من أن تؤثر طاعه اللئام على مصارع الكرام(۱)

الله اكبر! این کلمات چقدر بلند و شور انگیز است! چقدر نفس انسانی باید شجاعت داشته باشد و تا چه حد باید پایبند به عزت، کرامت نفس، صبر و استقامت، رشد عقلانی و درک ملکوتی باشد تا بتواند در آن موقف که همه عزیزانش در معرض مهلکه قطعی هستند و شریف ترین و عقیف ترین بانوان او در خطر اسارت می باشند، چنین اعلام وجود و اظهار شخصیت و توانایی نفس و قدرت روح نماید.

سلام الله عليك يا ابا عبدالله بأبي انت و أمى يا ليتنا كنا معك فنفوز فوزاً عظيماً(۲)

حیات دین، مرهون شهادت حسین علیه السلام

ای حسین! اسلام از تو زنده شد و قرآن از تو محفوظ ماند. تو ارزش و

ص: ۴۹

۱- (۱). آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین و دو راهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیهات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا ندارد و دامن های پاک مادران ما و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ما روا نمی دارد که اطاعت افراد لئیم و پست را بر قتلگاه مردان با فضیلت، مقدم بداریم.

۲- (۲). یا ابا عبدالله سلام خداوند بر تو باد، پدر و مادرم فدای تو، ای کاش با تو بودیم؛ پس به رستگاری عظیم نائل می شدیم.

بهای انسانیت را نشان دادی و کریمه «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^(۱) را تفسیر کردی.

ای حسین! اسلام غیر از تو ناصر و یاور و نجات بخشی نداشت؛ تو را صدا می کرد و به تو شکایت می نمود و این تو بودی که به یاری اسلام شتافتی و گمراهی ها را برطرف کردی.

لقد بذلت مهجتك في الله و استنقذت عباد الله من الجهالة و حيره الضلالة^(۲)

در آن اوضاع و احوالی که بنی امیه بر کشورهای اسلامی مسلط شده بود، تمام وسایل تبلیغی را برای منحرف کردن مردم از توحید و اسلام و از اهل بیت علیهم السلام و برای تجدید عهد جاهلیت به کار گرفته بود. سکوت مرگبار و تسلیم در برابر آن وضع ناهنجار و آن همه استکبار و تجاهر به معاصی و گناهان، که نمونه آن، همان یزید الخمر و یزید الفهود و یزید الفسق و الفجور بود، همه جا را فرا گرفته بود و تنها صدای حسین، که صدای اسلام و صدای قرآن بود، عالم اسلام را بیدار کرد و صدای دلنواز شوق و اشتیاق او به شهادت در راه خدا، احیاگر اسلام شد.

هشدار حسین علیه السلام

گویی حسین نیز مانند جدش صلابی توحید سر داده و مثل این آیه را، که

ص: ۵۰

۱- (۱). سورة بقره، آیه ۳۰.

۲- (۲). به تحقیق خون خویش را در راه خدا بذل نمودی و خواهان نجات بندگان خدا از جهالت و حیرانی در ضلالت شدی.

تبلیغات بنی امیه آن را از یاد مردم برده بود، بر آنها تلاوت می کرد:

قل إن كان آبائكم و ابنائكم و اخوانكم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجاره تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب اليکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فترتبصوا حتی یأتی الله بأمره و الله لا یهدی القوم الفاسقین (۱)

دوستی دنیا، دوستی پدران، فرزندان، برادران، همسران و خویشاوندان، اموال، تجارت و خانه و کاشانه، مردم را به سکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر و همکاری با سران کفر و جاهلیت کشانده بود. این امام علیه السلام بود که معنا و مضمون این آیه را دوباره به مردم تفهیم کرد و خود عملاً آن را با همت بلند و تصمیم الهی خلل ناپذیرش به کار بست.

آن روز، امروز، فردا و فردها و در هر زمان و مکانی این خطر وجود دارد و هشدار قرآنی این است که اگر آنچه را که از کسان، وابستگان، مقام، ثروت و وسایل رفاهی دارید، از خدا، پیغمبر و جهاد در راه خدا بیشتر دوست می دارید، منتظر عذاب باشید.

مال و مقام و همه نعمت های دنیا بسیار عزیز هستند اما دین، اسلامیت، ولایت اهل بیت علیهم السلام و احکام خدا از همه عزیزتر می باشند.

ص: ۵۱

۱- (۱). سورة توبه، آیه ۲۴؛ بگو: اگر پدران، فرزندان، برادران، همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساد شدنش هراس دارید و خانه هایی که بدان علاقه مندید، در نظرتان از خداوند، پیامبرش و جهاد در راه خدا محبوب تر است، در انتظار باشید که خداوند عذاب خویش را در میان شما آورد! و خداوند جمعیت نافرمان را هدایت نمی کند.

راه حسین علیه السلام، راه قرآن، راه عمل به احکام و راه افتخار به اسلام، توحید و ایمان به خداست، راه شرق و غرب و یمین و یسار نیست؛ راه افتخار به دوران های کفر و بت پرستی یا آتش پرستی و شرک یزدان و اهرمن و استکبار فرعون و نمرود و جمشید نیست.

راه حسین، راه ترویج فساد و نوازدگی، معاصی و ملامتی و فخر به این مسائل بیهوده نیست.

راه حسین، راه تجمل پرستی، اسراف، علو، گردنکشی و استحقار مردم نیست.

شعار حسین و ابلاغش، ابلاغ قرآنی و مساوات میان زن و مرد در ارزش های حقیقی است؛

إن المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروعهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات أعد الله لهم مغفره و أجراً عظیماً(۱)

در جامعه ای که از حسین علیه السلام پیروی می شود، این امور ارزش و

ص: ۵۲

۱- (۱). سورة احزاب، آیه ۳۵؛ به یقین مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان فرمانبر، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبیا، مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان انفاق گر، و مردان و زنان روزه دار، مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که بسیار یار خدا هستند، خدا هستند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

افتخار است و زنان با مردان در این ارزش‌ها باید هم طراز و بلکه رقابت داشته باشند و مختلط شدن آنها با بیگانگان در مجالس و محافل، در دانشگاه و مدارس، در محل کار و مدیریت‌ها و مشاغلی که در ارتباط مستمر با بیگانگان است، با شأن و پارسایی و تربیت اسلامی زن مسلمان سازگار نیست و غرب زدگی، حاکی از ضعف هویت و شخصیت است.

فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت

در این ماه محرم و صفر، آقایان فضلاء، علما، اساتید و خطبا در سخنرانی‌ها، مواعظ و منبرهایی که دارند باید توجه مردم را به این مطالب حیاتی جلب نمایند. یکی از برکات بزرگ حوزه مقدسه قم از آغاز تأسیس، همین بوده است که طلاب در فرصت‌های تبلیغی؛ مانند محرم، صفر و ماه مبارک رمضان برای تبلیغ دین به شهرها، روستاها و قصبات بروند و با مردم و مؤمنین ارتباط نزدیک برقرار نمایند و رشته ایمان و آگاهی همگان را به وظایف اسلامی و تعالیم دینی استحکام بخشند. در دوره طاغوت و اختناق رضاخانی این حرکت فداکارانه حوزه که با تحمل مشکلات و دشواری‌های سخت، توأم بود، دین، ایمان و اسلامیت این مردم خوب و عزیز را بیمه کرد. هر چه رژیم و نظام طاغوتی با زور و سرنیزه و تبلیغات، مردم را از دین، اسلام و تعهد به احکام باز می‌داشت - تا آنجا که رسوم آتش پرستی را در مدارس پایه گذاری کرده، پایکوبی و ستایش آتش را ترویج نمود و تعلیم ملامی را اجباری کرد و صدها نیرنگ دیگر به کار برد - همه از برکت این ماه محرم و این منبر حسینی و این محبت و علاقه جامعه به حسین علیه السلام، نقش بر آب شد و عاقبت هم همین برنامه‌های تبلیغی ریشه آن فساد را از بیخ و بن برکند و رژیم را که می‌خواست به

جای ملیت و تاریخ اسلامی تاریخ به اصطلاح خودش، تاریخ کوروش و آزادی صهیونیسم و ملیت آن چنانی را بر این ملت مقاوم و مسلمان تحمیل کند، سرنگون ساخت.

ارزش های حسینی و وظیفه ما

انتظار از همه طبقات، از مسئولین و مقامات نظام، متصدیان امر آموزش و فرهنگ، رسانه های گروهی و همه اقشار مردم و طبقات عزیز این است که همه با هم در حفظ این ارزش ها، که رمز موجودیت، استقلال، عظمت، اعتلا و آبروی این کشور است همکاری نمایند و نگذارند که اشخاص مشکوک در ارکان اتحاد این مردم و تعهد آنها به خط قرآن و اسلام رخنه نمایند و با عناوین مختلف، راه نفوذ بیگانگان و به خصوص سلطه فرهنگی آنها را باز نمایند.

و همه در راه حسین علیه السلام، که راه حیات و راه عزت و آزادی حقیقی است همگام و همراه شده و هر چه بیشتر برای عظمت اسلام و مسلمین سعی و کوشش نماییم و این مدرسه عمومی و همگانی حسینی را - که کلاس هایش در همه جا و هر مکان برقرار است و عالم و جاهل، شهری و روستایی و زن و مرد را در برمی گیرد - بهتر و فراگیرتر و جامع تر از گذشته برگزار کنیم.

والسلام علی مولانا ابی عبدالله و علی الأرواح التي حلت بفنائها و علی شیعتها و محبیه و من أبکی أو بکی أو تبأکی فی مصائبه و رحمه الله و برکاته(۱)

ص: ۵۴

۱- (۱). پیام به مناسبت سالگشت حادثه عظیم عاشورا، محرم الحرام ۱۴۲۰ ه - ق.

اشاره

قال الله تعالى لقد كان في قصصهم عبره لاولى الالباب (۱)

السلام على مولانا سيدالشهداء منقذ الامه من الجهاله وحيره الضلاله ابى عبدالله الحسين عليه السلام و على اولاده واهل بيته و اصحابه و انصاره.

ثم السلام عليكم و رحمه الله و بر كاته.

جامعه و عاشورا

با تشکر و تقدیر شایان از عزیزان فرزانه و عاشقان حسینی، برگزار کنندگان محترم همایش کشوری عبرت های عاشورا، حُسن انتخاب عنوان این همایش را به ایشان تبریک می گویم.

همان گونه که از این عنوان استفاده می شود، یکی از شعب مهم و متعددی که محققان در واقعه بی نظیر و تاریخی عاشورا باید به تفصیل در آن بحث

و بررسی نمایند عبرت های بسیاری است که از عاشورا برداشت می شود و

ص: ۵۵

۱- (۱) سورة يوسف، آية ۱۱۱؛ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

پیام های حوادث و وقایع آن است که دانستن آنها برای همگان از هر طبقه سودمند، معرفت بخش و آموزنده است.

تأمل در وقایع عاشورا هر چه ژرف تر و گسترده تر گردد، ثمرات فکری، تربیتی و ایمانی آن بیشتر خواهد بود.

جامعه به چیزی مانند این عبرت ها، پیام ها و درس های عاشورا نیازمند است؛ این پیام ها و عبرت ها باید به همگان ابلاغ شود؛ درمنابر، سخنرانی ها، مقالات و تألیفات و در ضمن اشعار و مراثی باید تکرار گردد؛ باید عاشورا را با این معانی عالی و با این عبرت ها تبلیغ نمود، تا همگان به خصوص نسل آگاه جوان، درس های آن را برنامه عمل و حرکت خود قرار دهند. و لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم.

درس های عاشورا

امتناع امام از بیعت با یزید و سخنان آن حضرت در جواب ولید، حاکم مدینه و مروان و هجرت آن یگانه تاریخ از مدینه به مکه عبرت انگیز و پر از معانی و هدایت های عالی است. توقف آن حضرت در مکه معظمه نیز متضمن پیام هایی است که همه موضع شکست ناپذیر و غیر قابل برگشت آن حضرت را اعلام می کرد. خروج امام از مکه در زمانی که مردم از اطراف، بلاد و شهرها برای حج آمده بودند و آن خطبه تاریخی و پر از ابلاغ و ارشاد و انذار، عبرت انگیز، آموزنده و سازنده بود. اعزام شخصیتی مانند مسلم بن عقیل و پذیرفتن دعوت مردم کوفه و حوادثی که در کوفه اتفاق

افتاد و به شهادت حضرت مسلم منتهی گردید و اتفاقاتی که بین راه مکه تا

کربلا و روبه روشن شدن با حر واقع شد و آن خطبه رسا متضمن آن جمله های پر از پیام و احیاگر روح غیرت و شهامت که هر صاحب بصیرت را تکان می دهد، هشیار و بیدار باشی است که تا این زمان و زمان های بعد، عالم انسانیت را بیدار و آگاه می سازد و این جمله مقاومت آموز آن

انی لا اری الموت الا سعادة ولا الحياه مع الظالمین الا برماً (۱)

همواره باید ورد زبان مردم آزادی خواه و ستم ستیز باشد. اقتدای حر به امام در نماز، عاقبت خیر و فرجام کار او درس عبرت است. ملاقات امام با عیدالله حرجعی و خودداری او از قبول دعوت امام و گرایش و انقلاب فکری زهیر در یک ملاقات کوتاه با امام نیز عبرت و راهنمای مردم بر گزینش آخرت بر دنیا، و شهادت و حیات جاودانی بر حیات فانی است.

باوفاترین اصحاب

ورود امام به کربلا- همراه با اهل بیت، آن شخصیت هایی که برای خدا، خلقی و بنده ای عزیزتر از آنها در روی زمین نبود، ملحق شدن افرادی معدود از نخبگان و فرهیختگان عالم اسلام به آن حضرت، مواضع اصحاب تا روز عاشورا، نیل به شهادت، شور و شوق و استقامت و پایداری آنها که اگر جانشان هزار جان بود و جان نثاری در راه دین و نصرت امام هزار بار بیشتر ممکن بود شیفته و مشتاق آن بودند، همه برای عالم انسانیت، عبرت،

ص: ۵۷

۱- (۱). ذخائر العقبی، ص ۱۵۰؛ به راستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ملامت نمی بینم.

درس و دستور زندگی شرافتمندانه و خدایسنده است. مواقف بی مانند و حساس و استقبال آنان از تیغ، تیر، شمشیر، مرگ و شهادت، موقف حبیب، موقف عابس، موقف مسلم بن عوسجه، مواقف آن رجال بی نظیر که خود امام در وصف آنها فرمود: «من اصحابی با وفاتر و نیکو کارتر از اصحاب خود نمی شناسم»^(۱)، مواقف بنی هاشم، موقف و بلکه مواقف حضرت ابی الفضل، موقف حضرت علی اکبر و موقف قاسم هر کدام مواقفی است که تاریخ بشریت به آن افتخار می نماید و آیه کریمه:

انی اعلم ما لا تعلمون^(۲)

را تفسیر می کند. در این میان، مواقف بانوان هم بزرگ و عظیم بود؛ همه کوه استقامت و صبر و تحمل، ذلت ناپذیر، پا برجا، امیدوار بر غلبه حق و موفقیت خود و مغلوبیت حقیقی دشمن بودند.

عبرت از سپاه سیاه

آن سی هزار یا بیشتر لشکر خون آشام، اگر چه همه اصحاب را به شهادت رساندند اما از رخنه در قدرت روحی آنها ناتوان ماندند. این مواضع برای بشر، عبرت است باید در طول قرون و اعصار بگویند و بنویسند، در مدرسه ها و مکتب ها این ایستگاه های درخشان را بیاموزند و درس بدهند تا بشر، خود و گوهر پاکش را بشناسد و خود را به جیفه دنیا نفروشد و معنای این کلام بزرگ علوی را درک کند:

ص: ۵۸

۱- (۱). اما بعد فانی لا اعلم اصحاباً اوفی و لا خیراً من اصحابی.

۲- (۲). سوره بقره، آیه ۳۰.

الا حرّ يدع هذه اللماظه لاهلها انه ليس لانفسكم ثمن الا الجنة فلا تبيعوها الا بها(۱)

آفتاب نینوا

امّا زبان و قلم از بیان عظمت موقف شخص الهی امام علیه السلام و آن قهرمان بزرگ فضایل ملکوتی، خصایص قدوسی و مقامات سبوحی، عاجز و ناتوان است و مثل توصیف ذره و کمتر از آن از آفتاب جهان تاب، و سراب از اقیانوس های آب است. نواحی عظمت و موجبات بصیرت و عبرت در وجود امام، کار، قیام، مواضع و مواقف عالی و متعالی آن حضرت، بسیار و بی شمار است. اتصال قدرت امام به قدرت لایزال الهی در آن موضع گیری های محیر العقول مشهود است و حقیقت معنای صانع «وجهاً واحداً یکفیک الوجوه» از آن ظاهر و معلوم است.

در این سیر الی الله، اوج علو قدر انسان خلیفه الله که از ملائکه، ارفع و انبل است آشکار می گردد. حقیقت آن سیر و حرکت، سیر به سوی کمال بی نهایت و تقرب بیشتر و بیشتر از کسی بود که حائز عالی ترین رتبه کمال و تقرب به اوست.

تمام آن چه افتخار انسانیت است؛ مانند ایمان، اخلاص، صبر، ایثار، پاسداری از شرف، عزت، حمیت، حقوق ضعفا، نفی استبداد، ظلم، استکبار و استحقار عبادالله در این برنامه الهی درخشان است.

ص: ۵۹

۱- (۱). نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶؛ آیا آزاده ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی، همچون ته مانده طعمی است، به اهلش واگذارد؟ به راستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانتان نیست؛ پس آن را فقط در برابر بهشت معامله کنید.

امام علیه السلام برای حفظ دین خدا و نجات امت، مصائب جانکاهی را از داغ جوانان و برادران، اسارت بانوان و شهادت اصحاب، پذیرا شد و میان آخرت، دنیا، خدا، خلق، عزت و ذلت و در نهایت میان بهشت و دوزخ و بین شهادت خود و همه بستگان عزیز اسارت اهل بیت و بیعت و تسلیم، مخیر شد و با آن تصمیم قاطع و عزم راسخ و غیر قابل بازگشت، خدا، قرآن، اسلام و حمایت از حقوق جامعه و شهادت خود و همه آن مصیباتی را که هر کدامش برای اینکه تهمتن ترین افراد را به تسلیم وادار کند، اختیار فرمود و صدای بلند و رسای او

أَلَا إِنَّ الدَّعِيَ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ يَا أَبَى اللَّهِ لَنَا ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ وَ أُتُوْفُ حَمِيَّتِهِ وَ نُفُوسٌ آيِيهِ مِنْ أَنْ نُؤْثِرَ طَاعَةَ اللُّثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ (۱)

عالم به خواب خفته اسلام را بیدار کرد.

ص: ۶۰

۱- (۱). آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین و دو راهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیهات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا ندارد و دامن های پاک مادران ما و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ما روا نمی دارد که اطاعت افراد لثیم و پست را برقتلگاه مردان بافضیلت، مقدم بداریم.

درس های بزرگ و حیات بخشی که طی ظهور این استقامت و مقاومت به مردم داده شد هر یک بی نظیر بود؛ در ارتباط با اصحاب و انصار و شهادت یکایک آنها، شهادت جوانان بنی هاشم و جوان عالیقدری مانند علی اکبر با آن اوصاف و شمایل پیغمبری و برادری چون ابوالفضل العباس و شهادت کودکان و اطفال در هنگام وداع با اهل بیت علیهم السلام و هنگامه های جانگداز دیگر، مناظر و مشاهدی بودند که همه نشان آن بود که قهرمان این صحنه از قدرت و قوتی برخوردار است که هیچ نیرو و قوه مادی و هیچ مصیبت، فشار، قساوت و جنایتی - هرچند دلخراش و غیر قابل تحمل باشد - بر او غالب نمی شود و او را از هدف مقدسی که دارد باز نمی دارد. اینها همه عبرت است و برای بشریت درس حیات، شرف، ایمان و استقامت.

پیام آوران عاشورا

وقایع بعد از شهادت و اسارت اهل بیت علیهم السلام و حضور آنان در مجلس ابن زیاد و یزید و فرصت های دیگر، عبرت انگیز، سرمشق، آموزنده و سازنده است. آن پاسخ های شجاعانه و پرمعنای حضرت زینب به ابن زیاد و خطبه تاریخی آن حضرت در مجلس یزید که از معجزات بزرگ به شمار می رود برای همیشه عبرت است؛ حقایقی که در این خطبه در چنان مجلسی بیان فرمود و توییح و تحقیر قدرتمندان یزید، نیروبخش مظلومان در برابر ستمگران است. خطبه حضرت سجاد علیه السلام و درنهایت پیامدهای واقعه جانسوز عاشورا مانند «واقعه توابین» و استمرار یاد این

افتخارات که تا عصر ما و اعصار آینده به صورت مجالس روضه و هیئت های عزا ادامه می یابد برای بشریت عبرت است و دلیل قدرت حق و سستی باطل می باشد.

ذلك بان الله هو الحق و انّ ما يدعون من دونه الباطل و أن الله هو العلی الكبير(۱)،

لقد كان لقصصهم عبره لاولى الالباب(۲)

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین سلام الله و صلواته علی مولانا ابی عبدالله الحسین سید الشهداء و ابی الاحرار الذی بذل مهجته فی الله حتی استنقذ عباده من الجهاله و حیره الضلاله و سلامه علی اهل بیته و اولاده و اصحابه(۳)

ص: ۶۲

۱- (۱) . سورة لقمان، آیه ۳۰، اینها هم دلیل بر حقانیت خداوند است، و آنچه را غیر از او می خوانند باطل می باشد و خداوند، بلند مقام و بزرگ مرتبه است.

۲- (۲) . سورة یوسف، آیه ۱۱۱؛ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

۳- (۳) . پیام به همایش عبرت های عاشورای حسینی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ذی الحجه ۱۴۲۳ ه - ق.

قال الله تعالى: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً (۱)

ابعاد یک حادثه عظیم

واقعه جانسوز عاشورا و شهادت حضرت سید الشهداء، حادثه ای عظیم، یگانه و منحصر به فرد است که نظیر آن در تاریخ، نه قبل از آن واقع شده و نه بعد از آن اتفاق خواهد افتاد.

ابعاد و جوانب بسیار آن به حدی است که ورود در هر کدام موجب آگاهی از جوانب جدید و بیشتر می گردد؛ در حوادث گذشته و آینده نقش و اثر داشته و دارد و حتی می توان حوادث قبل از آن را هم با نگاه به این واقعه بررسی و مطالعه کرد.

البته این حادثه از لحاظ اسرار و نکات مخفی، آن قدر عظیم است که

آنچه از آن ظاهر است با آنکه در اوج عظمت قرار دارد، در برابر آنچه از آن پنهان است قابل قیاس نیست، و چنان تکان بزرگی به عالم داد که

ص: ۶۳

۱- (۱). سورة اسراء، آیه ۳۳؛ آن کس که مظلوم کشته شد، برای ولی او مسلط (و حق قصاص) قرار دادیم.

هیچ گاه آرام نخواهد گرفت و مانند جرم آسمانی بزرگی است که در اقیانوس بیکران هستی بیفتد و موجی مناسب آن به وجود آید که همواره در طول قرون و اعصار با شفافیت بیشتر در گسترش می باشد.

جلوه های عاشورایی

عاشورا در همه حوادث، به خصوص وقایع عالم اسلام، نقش دارد. وقایعی که بیان تفصیل و تحلیلات تاریخی آنها به بررسی های عمیق و وسیع، نیاز دارد؛ وقایعی که از اعتراض آن زن از بکر بن وائل، ثوره تواین، شهادت سلیمان بن سرد و چهار هزار نفر از قیام کنندگان با او، قیام مختار و حتی آغاز دوره تسلط عبدالله بن زبیر شروع شد و تا به امروز و در عصر ما، انقلاب اسلامی و سقوط حکومت ضد عاشورایی رضا خان و پسرش ادامه پیدا کرد، و سرانجام خدا می داند که تا کی و در چه زمان و عهد قریب یا بعید و پس از چه وقایع تاریخی دیگر، به قیام جهانی و ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام منتهی خواهد شد.

تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم السلام

ظهور شخصیتی مانند حضرت امام زین العابدین علیه السلام، با آن سیره و جلوه، قلوب دوست و دشمن را مسخر ساخت و مانند عمر بن عبد العزیز - که آن حضرت را سراج دنیا و جمال آخرت می خواند - اگر چه جلوه ملکوتی آن امام، خود به خود و در نهایت تمامیت و کمال، جهان را نورانی

می کرد واقعه عاشورا و نور جهانتاب حسینی نیز بر زینت و نورانیت آن

افزود و درخشندگی آن را مضاعف تر کرد.

عاشورا همچنین در مواضع حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام اثر گذاشت و با اینکه خود آن مواضع، پر از روح و حیات بود، در روح و حیات مواضع آنها نیز تجلی داشت؛ بر عزت، محبوبیت و تأثیر بیشتر مظلومیت حضرت موسی الکاظم علیه السلام و موقف جهانتاب حضرت عالم آل محمد علیهم السلام افزود و به طور کلی همه مقامات و ظهور درجات ائمه طاهرین علیهم السلام از آن استقامت پر معنای حسینی علیه السلام، آن همه صبر و تصمیم متعالی، جلوه و جذابیتی خاص یافتند و در عین حالی که همه در کمال تمامیت بودند، اما همگی به هم پیوسته و به شکل بزرگ ترین واحد نورانی کثیر الانباء و کثیر المفاخر و المآثر متجلی شدند و هنوز هم در تجلی هستند.

رابطه عاشورا با حکومت مهدوی

در مورد رابطه انتظار، ظهور، غلبه مطلق حق بر باطل، نصرت اسلام، حکومت واحده اهل بیت علیهم السلام در آخر الزمان و قیام آن یگانه جهان و نادره دوران و نابغه اعصار و ازمان، با عاشورا و آن نهضت الهی و بروز آن قدرت معنوی و حقیقی نیز علاوه بر نکته های گفته شده، درس ها، فلسفه ها و اسرار ناگفته بسیار است.

می توان گفت یک هدف از برقراری حکومت جهانی حقه به دست یداللهی حضرت مهدی علیه السلام، تدارک و جبران ظلم و ستم های وارد بر اهل بیت علیهم السلام، مصائب جانکاه، تحقق وعده های الهی و بلکه عکس العمل تحمل آن مصائب در راه دین و دفاع از اسلام می باشد که بر

حسب آیات و روایات است؛ اگر چه در این دنیا و عالم کوچک، تدارک پاداش و ثواب عاشورای حسین علیه السلام فراهم نیست اما در جهان وسیع و پهناور آخرت به گونه ای که مقتضای صفات جمال و کمال الهی است، برنامه وافی و کافی آن اجرا خواهد شد و جایگاه رفیع و بلند روز عاشورا در بُعد و معنا و جلوه خودش که جز در آن عالم، ظهور و نمایش نمی پذیرد، آشکار خواهد گردید.

متأسفانه قلم و بیان ما از توصیف آن مطالب، اعزاز و اکرامی که خدا از حسین علیه السلام می نماید و همچنین بیان روابط عاشورا با قیام حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء عاجز و ناتوان است و هر مقدار که هر کس بگوید، از حد درک خود و درکی که از این معانی در این جهان ممکن است، بیشتر نخواهد بود. برای آشنایی با مقام جلال و جمال و تقرب حضرت سیدالشهداء علیه السلام به حضرت ذوالجلال والاکرام و تماشای جلوه نورانی حسین علیه السلام در روز عاشورا، که هر چه مصیبات آن حضرت افزون تر می گردید بر جمال جسمانی اش نیز افزوده می شد، باید منتظر آن روز و جهان آینده باشیم. اگر چه از درک حقیقت ربط روز حسین و روز مهدی علیهما السلام در افق بلند و متعالی آن عاجزیم؛ لیکن از بعض جمله های احادیث و زیارات و ادعیه، نکاتی استنباط می شود که آموزنده و در سطحی بسیار عالی آن را معرفی می نماید. حتی استمرار ولایت و امامت که منتهی به امامت حضرت مهدی علیه السلام می شود مرتبط به شهادت سید الشهداء علیه السلام معرفی می گردد و این یک معنا و سرّی است که علاوه بر آنکه از

بُعد معنوی دارای اهمیت خاص است از ابعاد دیگر مثل جامعه شناسی نیز موجه و مثبت است.

از عاشورا تا رجعت

ارتباط دیگر عاشورا با آخر الزمان و ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام مسئله رجعت است که بر حسب آن، دشمنان اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً قتله سید الشهداء علیه السلام و کُشندگان اصحاب بزرگوار آن حضرت و ستمکاران و کسانی که به اهل بیت علیهم السلام ظلم کرده اند و هم چنین شخص آن حضرت، با اصحاب و انصار عالی مقام و کسانی که خدا می خواهد، به دنیا رجوع می نمایند، و قتله سید الشهداء علیه السلام و ظالمان دیگر، عواقب سوء دنیوی اعمال خود را می بینند. در این ظهور، عنایات الهیه بر اهل ایمان و شیعیان ظاهر می شود و برکات زمین و آسمان آشکار می گردد. از بینش دیگر می توان تأویل کامل آیاتی چون: «و نرید نمّنّ علی الذین استضعفوا...»^(۱) را همان رجعت علوی و حسینی دانست و کلام معجز نظام امیر المؤمنین علیه السلام را که فرمود:

لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها و تلا عقیب ذلك و نرید أن نمّنّ علی الذین...^(۲)

ص: ۶۷

-
- ۱- (۱). سورة قصص، آیه ۵؛ و ما اراده کردیم که به مستضعفان زمین منت گذاریم.
- ۲- (۲). نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹؛ دنیا پس از آن که به ما پشت کرده بود به ما روی آورد روی آوردن ماده شتری به سوی بچه اش؛ و پس از آن، آیه را قرائت فرمود.

به همان معنای ظاهر آن دلیل دانست و از آنجا که این عطف دنیا نسبت به شخص آن بزرگواران، محقق می‌گردد، معانی آیه «وعد الله الذين امنوا منكم...» (۱) و آیات دیگر و خروج دابه الارض - که به امیر المؤمنین علیه السلام تفسیر شده - عینیت می‌یابد.

انتظار فرج، انتظار تحقق همه این وعده های قرآنی و وحیانی است. هم انتقام از اعداء الله و اعداء آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین گرفته می‌شود؛ و هم از بازماندگان فکری و اعتقادی آنها، که در عصر ظهور وجود دارند؛ همان ها که به یزید و معاویه و دیگران از اعدای اهل بیت عليهم السلام افتخار می‌کنند و در مثل زمان ما کتاب «حقائق عن امیر المؤمنین یزید بن معاویه» می‌نویسند و کتاب «العواصم من القواصم ابن عربی» را نشر می‌دهند و بر آن شرح و تعلیق می‌نویسند.

آخر الزمان عنوان و اصطلاح وسیعی است که ما در انتظار آن هستیم و برنامه های گسترده ای که در آن زمان، اجرا خواهد شد، همه در مسیر جهانی شدن حق و پیروزی مطلق آن بر باطل و قلع و قمع اعداء الله و اعداء الرسول و اهل بینه و النواصب می‌باشد، البته ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حکومت عدل جهانی آن حضرت به مثابه هسته مرکزی آن وقایع است و همه ما در زیارت عاشورا آن ظهور و حضور را از خدا مسئلت می‌نماییم.

ظهور، استمرار عاشورا

به تعبیری می‌توان گفت که ظهور و رجعت، همه مکمل بعثت و واقعه

ص: ۶۸

ولایی - تاریخی غدیر و برنامه ای است که سید الشهدا علیه السلام اجرا فرمود. از بعضی روایات و القاب آن حضرت و از پیوستگی این معانی و ربط این برنامه ها با سیره و عمل شخص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه طاهرین علیهم السلام و حضرت صدیقه علیها السلام آشکار می شود که آنها در عین استقلال، با هم مرتبط بوده و هدف از همه، تحقق اغراض الهی است. «لا يعلم تفاصيلها وعظم ما فيها من الاسرار الا الله والذين اختصهم به».

سخن را در این موضوع کثیر المطالب و وسیع الابعاد آنها با روایتی به پایان می رسانیم که در آن فضل نصرت سید الشهدا علیه السلام به نصرت حضرت مهدی علیه السلام تشبیه شده است و از آن استفاده می شود که ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه همان موقف آن امام مظلوم است.

روایت را خود حضرت امام حسین علیه السلام در ضمن خطبه ای بر حسب بعضی کتب مقاتل انشا فرموده اند. آن حضرت از جد بزرگوارشان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت فرموده است به این لفظ

قال عليه السلام و من واسانا بنفسه كان معنا غداً في الجنان نجياً من غضب الرحمان و قد قال جدی رسول الله صلی الله علیه و آله ولدی حسین یقتل بطف کربلا غریباً وحیداً عطشاناً فریداً فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده القائم (۱) و (۲).

ص: ۶۹

-
- ۱- (۱). ناسخ التواریخ، و الدمعه الساکبه؛ هر کس با نفس خویش با ما مواسات نماید فردا در بهشت با ماست در حالی که از خشم خدای رحمان رها یافته است؛ به تحقیق جدم رسول خدا که صلوات خدا بر او و خاندانش باد فرمود: فرزندم حسین در کربلا غریبانه و تنها و تشنه به شهادت می رسد هر کس او را یاری کند مرا و فرزندش حضرت مهدی را یاری نموده است.
- ۲- (۲). پیام به مناسبت حلول محرم الحرام ۱۴۲۸ هـ - ق.

ذلك و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب(۱)

ارزش حفظ شعائر

از بزرگ ترین شعائر تشیع و ولای اهل بیت رسالت علیهم السلام اقامه مراسم عزاداری و سوگواری برای حضرت سید الشهداء، ابی عبد الله الحسین علیه الصلاه و السلام و کحل الله ابصارنا بتراب مقدم زوار حرمه می باشد.

این شعائر، شعائرالله، شعائر اسلام، شعائر مجد و عظمت موحدین و خداپرستان و معالم انسانیت است.

تعظیم این شعائر هر چه باشکوه تر انجام شود، دل ها را بیشتر و بیشتر به خلوص نیت، صبر، استقامت و فداکاری در راه احیای حق و اعلاى کلمه اسلام نائل می سازد و ظلم، استبداد، شرک و استضعاف را محکوم می نماید.

مکتب جهاد و مدرسه عظمت های انسانی در این شعائر زنده می شود و

فریاد حسین علیه السلام

ص: ۷۳

۱- (۱). سوره حج، آیه ۳۲؛ این است (مناسک حج)؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای الهی است.

انی لا اری الموت الا سعادت و لا الحیاه مع الظالمین الا برما(۱)

بدن های مستکبران را می لرزاند و ارکان استکبار آنان را منهدم می سازد.

درس عزت

شعائری است که در طول تاریخ به انسان ها درس می دهد که سربلند، عزیز و با افتخار زندگی کنید و به ذلت، پستی و هر چه دون شأن انسانیت است تن در ندهید و همگان، همیشه در هر جا و هر مکان با بزرگ مجاهد آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین و رهبر آزاد مردان جهان، ابوالشهداء و سید الاحرار فریاد «هیئات من الذله» را سر دهید و به خواری و دون همتی گردن ننهید که علی علیه السلام، امیر مؤمنان، پدر بزرگوار حسین علیه السلام فرمود:

الا حر یدع هذه اللماظه لأهلها انه لیس لأنفسکم ثمن الا الجنة فلا تیعوها الا بها(۲)

اگر می خواهید به پیشتازان صحنه شهادت کربلا تاسی کنید خود را به غیر از خدا، ثواب خدا و بهشت خدا نفروشید.

ص: ۷۴

-
- ۱- (۱). ذخائر العقبی، ص ۱۵۰؛ به راستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ملامت نمی بینم.
 - ۲- (۲) نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶؛ آیا آزاده ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی، همچون ته مانده طعمای است، به اهلش واگذارد؟ به راستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانتان نیست؛ پس آن را فقط در برابر بهشت معامله کنید.

این شعائر به هر صورت و به هر مظهر و جلوه ای اقامه شود، مقدس است و برگزارکنندگان آن، مورد ستایش و تحسین خواهند بود. با این شعائر می توان دعوت اسلام را بیش از پیش جهانی کرد و دنیا را مجذوب حقایق این دین حنیف نمود.

به طور یقین حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء در بعضی از این مراسم شرکت فرموده و با عزاداران حسین علیه السلام همکاری کرده اند.

بدیهی است این مراسم و شعائر باید تا آنجا که ممکن است از ریا، شوائب، هرگونه عمل نامشروع و حرام پاک و منزّه باشد و همه جلوه های آن، جلوه های حمایت از حق، امر به معروف و نهی از منکر و کوبیدن باطل و معصیت باشد. (۱)

ص: ۷۵

السلام عليك يا ابا عبدالله و على ارواح التي حلت بفنائك اشهد انك بذلت مهجتك في الله حتى استنقذت عباده من الجهالة و حيره الضلالة و احيت نظام الدين صلوات الله عليك و على اهل بيتك و اصحابك و رحمه الله و برکاته(۱)

مکتب حیات بخش حسینی علیه السلام اگر چه در دوره سال و هر زمان و هر مکان به روی شیفتگان اهل بیت علیهم السلام باز است و در طول سال، برکات آن مورد استفاده است، اما در ماه محرم و صفر و به خصوص عاشورا و اربعین به طور گسترده و با وسعتی بی نظیر گشایش یافته و همه را از پیر و جوان، زن و مرد، شهروندان و روستاییان به سوی خود جلب و

جذب می نماید و به شکل یک دانشگاه عام خود برخاسته با صدها هزار

ص: ۷۶

۱- (۱). سلام بر تو ای ابا عبدالله، و سلام بر ارواحی که فانی در تو شدند. به درستی که خون خویش را در راه خدا مبدول داشتی تا خواهان آن باشی که بندگان پروردگار از جهالت و سرگردانی در ضلالت نجات یابند و تو نظام دین را احیا کردی. صلوات، رحمت و برکات خداوند بر تو باد و بر اهل بیت تو و یاران تو.

مجلس درس و تعلیم و تربیت و ده ها هزار معلم و مربی تشکیل می شود و دانشمندان طراز اول و علمای علوم و فنون و سایر طبقات زیر پوشش آن قرار گرفته و به کسب فیض از آن نائل می شوند. سخن گفتن پیرامون این مکتب الهی و فواید و منافع آموزشی و پرورشی آن و امکاناتی که برای بهره گیری های بسیار بزرگ در ساخت سالم ترین و بهترین جوامع انسانی در آن وجود دارد به تألیف کتاب ها نیاز دارد.

پیام مکتب حسین

مکتب حسین علیه السلام مکتب حیات و مکتب کمال و مکتب آگاهی و بصیرت، مکتب عزت، شهادت، اخلاق، معرفت، ایثار، فداکاری، حق، ایمان، توکل و اعتماد به خداوند متعال است. پیام های عالی آن، همه انسان ساز، پیشتاز، افتخارآفرین، دلربا و دلنشین است. اسرار بزرگی که در آن است عقول عالیه را متحیر نموده و بسیاری از غوامض مطالب انسانی را در عالم آفرینش، تفسیر می نماید و عظمت مقام انسان که از همه مخلوقات بالاتر و بهتر است را آشکار می گرداند؛

لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب(۱)

در اینجا نمی خواهیم و نمی توانیم که پیرامون این معانی عالی سخنی بگوییم؛ هزارها مقاله و کتاب نوشته و گفته شده و هر چه بگوییم باز هم مجال سخن گفتن گشوده است.

این شرح بی نهایت کز وصف یار گفتند

حرفی است از هزاران کاندرا عبارت آمد

ص: ۷۷

۱- (۱). سوره یوسف، آیه ۱۱۱؛ در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

حوزه علمی کهنسال قم، در این دوره جدید که از سال ۱۳۴۰ هـ. ق به همت مرحوم آیت الله العظمی حائری قدس سره بازگشایی شد در کنار برنامه های تحصیلی، علمی و تحقیقی و تربیت اساتید بزرگ، علما، آیات، مراجع، مؤلفان، گویندگان، وعاظ و مبلغان لایق، موضوع تبلیغ و نشر معارف دین و آثار و احادیث اهل بیت علیهم السلام و آشنا کردن جوامع شهری و روستایی و خلاصه همه جامعه را با احکام اسلام نیز نصب العین قرار داد و در این راه با استفاده از مکتب حسینی و علاقه باطنی و پاک مردم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام به خصوص واقعه جانسوز کربلا- بهره ها گرفته و علاوه بر ماه مبارک رمضان و فرصت های دیگر در ماه محرم در پرتو بیان مصائب آن حضرت و مقاصد نهضت بی نظیر کربلا، این مدرسه الهی هدایت و ارشاد، در طول بیش از هشتاد سال که از عمر با برکت آن می گذرد، خدمات تبلیغی خود را ادامه داده است و در برابر انحرافات، کج روی ها، کج فهمی ها، بدعت ها و اختناق مثل اختناق رضاخانی، ایستادگی ها نموده و مواضع و مقاومت این حوزه در ابطال باطل و حفظ عقاید جامعه همواره مؤثر و کارساز بوده است.

اکنون که محرم سال ۱۴۲۳ هـ. ق را استقبال می نمایم، به همان شیوه مرضیه، علما، فضلا، طلاب عزیز، خطبا و مبلغان حوزه برای ایفای نقش و مسئولیت های بزرگی که روحانیت در رساندن احکام، هدایت، تبلیغ، احیای شعائر اسلام و معارف مکتب راستین تشیع و ولایت به عهده دارند، عازم بلاد، قراء، قصابات، نقاط دور دست در داخل و خارج ایران می باشند؛

از خداوند متعال برای همه توفیق و تسدید و عنایات خاصه آفایشان و آقای همه، حضرت بقیه الله، ارواح العالمین له الفداء را مسئلت می نمایم. امید است همه به فتوحات بزرگ نائل شده و با همکاری امت عزیز و مخلص و شیعیان پاکباز حضرت سید الشهداء علیه السلام، مراسم و شعائر عاشورای حسینی و ماه محرم امسال باشکوه تر و پربارتر از سال های گذشته برگزار گردد.

نکاتی در باب تبلیغ عاشورا

حقیر مناسب دیدم بعضی نکات را که شاید از نظر خود آقایان و بسیاری از دیگران پنهان نباشد تذکراً به عرض برسانم:

حفظ هویت اسلامی

۱. اوضاع و احوال چنان پیش آمده است که رویارویی تازه ای بین اسلام و کفر را نشان می دهد؛ انقلاب اسلامی ایران، احیای تفکر اسلامی، گرایش مسلمانان به استقلال اسلامی و بازگشت به مجد و عظمت دیرین و خلاصه بیداری و هشیاری فراگیر به خصوص در طبقه جوان و تحصیل کرده و موارد دیگر موجب شده که دشمنان اسلام، که تقریباً پس از جنگ جهانی اول بر کشورهای پهناور اسلامی مستقیم یا غیر مستقیم مسلط شده و آنها را با تشکیل حکومت های دست نشانده زیر نفوذ خود قرار داده بودند، از قطع نفوذ و سلطه خود بیمناک شوند و از این رو در مقام معارضه و کوبیدن مسلمانان و صدای اسلام خواهی برآمده و با تبلیغات گسترده و وسایل گوناگون ظاهری و سرّی، سیاسی و اقتصادی و حتی توسل به نیروی نظامی، با تمام توان عمل می کنند. باید مسلمانان را به استقامت، صبر، پایداری و

امیدواری به نصرت خدا و غلبه بر اعداء، تشویق و ترغیب نمود.

از امور مهمی که باید هر مسلمان آن را وظیفه بزرگ و اساسی خود بداند، حفظ هویت اسلامی است که همواره و به خصوص در این قرن اخیر، تغییر یا خدشه دار شدن و کمرنگ شدن آن را دشمنان، سیاست اصلی خود برای تسلط بر مسلمانان و از بین بردن استقلال اسلامی می دانند؛ ضدیت با هویت اسلامی را در همه رشته ها و شعب مختلف تمدن اسلامی فعال کرده و کم و بیش در کشورهای اسلامی به تضعیف آن به طور رسمی با تغییر آن نائل شده اند.

غرب گرایی و پیروی از عادات و رفتار غربی ها و تقلید از آنها حتی در لباس و امور به ظاهر کوچک تا برسد به امور مهم مانند ترویج اختلاط زن و مرد، عنوان ها و شعارهایی مثل رفع تبعیض از زنان یا به بهانه آزادی بیان و آزادی مطلق، بعضی احکام شرع را زیر سؤال بردن و ترویج موسیقی، نوازندگی، ملاحی، تشویق فراوان به اصطلاح خودشان از هنرمندان بی اعتنا به شرع و تنازل از شعارهای اسلامی، همه حرکت به سوی تغییر هویت اسلامی یا تضعیف آن می باشد.

باید به مسلمان ها هشدار داده شود که به خطرات این گرایش های غرب مآبانه که متأسفانه گسترده می شود، توجه داشته باشند و هویت اسلامی شان را از جان خود هم عزیزتر بدانند و در همه جا و در همه مواضع به آن ملتزم و متعهد باشند و به آن افتخار کنند؛ به اسلام، به قرآن، به تشیع، به ولایت ائمه علیهم السلام افتخار کنند و تمدن و اخلاق اسلامی را برتر از هر تمدن، اخلاق و مدنیت بدانند.

ما به عزت تشیع، عزت عزاداری سید الشهداء علیه السلام، به اصحاب آن حضرت، به حضرت عباس، به حبیب بن مظاهر، به مسلم بن عوسجه، و به حجر بن عدی و مفاخر بزرگ اسلام و تشیع، به همه افتخار می کنیم.

ولله العزه العزه لله و لرسوله و للمؤمنین (۱)

شناخت اقلیم های تبلیغی

۲. بدیهی است درسخرانی ها و مناظر و مطالب، حدیث شریف و پرمعنای

حدثوا الناس بما يفهمون او يعرفون و لا تحدثوهم بما لا يفهمون او لا يعرفون (۲)

دستورالعمل است و مقتضای بلاغت در کلام و تکلم به مقتضای حال نیز همین است و برنامه انبیا علیهم السلام در تبلیغ نیز همین بوده و مناسب این است که در هر منطقه و ناحیه ای بررسی فرموده و نقاط ضعف دینی و مذهبی را، اگر در آنجا وجود دارد، شناسایی نمایید و به نحو شایسته در سخرانی ها رفع آن نقاط ضعف را در نظر داشته باشید.

ارتباط با جوانان

۳. با جوانان و نوجوانان عزیز به ویژه دانش آموزان و دانشجویان ارتباط برقرار نمایید و به گرمی از آنها استقبال و پذیرایی کنید و با حوصله به پرسش ها و مطالب آنان گوش فرا داده و پاسخ دهید.

ص: ۸۱

۱- (۱). سورة منافقون، آیه ۸؛ عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنین است.

۲- (۲). به میزان فهم یا شناخت مردم با آنان گفتگو کنید؛ به آنچه که دور از فهم و شناخت مردم است با ایشان به گفتگو نپردازید.

۴. امسال، آغاز سال جدید قمری با نوروز مقارن شده است، در این مورد هم باید هویت اسلامی، تشیع و عزای حسینی، با همان رنگ و مظاهر و ظواهر مشروع همه ساله، بلکه بیشتر و باشکوه تر برگزار شود و حال مصیبت، عزاداری و سوگواری به کارهای معمول نوروزی مغشوش نشود و مبارکی و میمنت سال جدید قمری و شمسی از برکت مراسم عزاداری بیمه گردد و ان شاء الله تعالی با خیر و عاقبت و موفقیت مقرون باشد.

البته در مراسم عزاداری هم باید جداً از ملامی و مناهی، که از موانع قبولی این شعائر بزرگ مذهبی است خودداری شود.

امید آنکه همگان در تعظی شعائر دین و سعی در اعلای کلمه اسلام و عزت مسلمین مؤید و منصور باشیم.

بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين.

والسلام على الحسين و على علي بن الحسين و على انصار الحسين و على الذين يعظمون ولاء الحسين و يتبعون صراط الحسين و رحمه الله و بركاته (۱)

ص: ۸۲

اشاره

قال الله تعالى «و من أحسن قولاً ممن دعا إلى الله و عمل صالحاً و قال إننى من المسلمین»^(۱)

السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الأرواح التى حلت بفنائک

السلام علی المهدی الطالب بدم المقتول بکربلا^(۲)

دانشگاه عاشورا

این روزها و شب ها و ساعاتی که می گذرد و ما را به سوی ماه محرم

۱۴۲۸ نزدیک می کند، یادآور روزها و شب هایی است که سیدالشهدا علیه الصلاه و السلام، راه لقاءالله و انجام یکی از بزرگ ترین مأموریت های الهی را طی می فرمود و به استقبال ماه محرم، روز عاشورا و آن رستاخیز بزرگ و فداکاری بی نظیر برای نجات بشریت و حفظ دین می رفت. در آن مواقف و

ص: ۸۳

۱- (۱). سوره فصلت، آیه ۳۳؛ چه کسی خوش گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت می کند و عمل صالح انجام می

دهد و می گوید: «من از مسلمانانم؟»

۲- (۲). سلام بر مهدی، طلب کننده خون شهید کربلا.

مقامات که کم‌ترین مصیبت‌های آن برای این بود که افراد نیرومند را در برابر دشمن به تسلیم و قبول ذلت و اداری سازد، امام علیه السلام اوج عظمت مقام انسانیت را به جهانیان نشان داد. همه به استقبال محرم می‌رویم و در دانشگاه جهانی حسین علیه السلام، که در تمام عالم، مدرسه‌ها، دانشکده‌ها و کلاس‌های آن تشکیل می‌شود، از پیر و برنا، زن و مرد، عالم و جاهل، استاد و دانشجو و شهرنشین و صحرانشین در آن با کمال خضوع و خلوص شرکت جسته و درس‌ها و پیام‌های انسان‌ساز عاشورا را می‌شنویم. به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی‌ها و ده‌ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب افتخار می‌نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره‌مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه السلام برخوردارند.

اگر چه در طول سال و همه ماه‌ها، مکتب انسان‌ساز سیدالشهداء علیه السلام تعطیل نیست اما این رمز عجیب و سر بسیار شگفت‌انگیز و حضور ده‌ها میلیون نفر از مردم در ماه محرم در این دانشگاه جلوه دیگری دارد. همه از این مدرسه بزرگ درس می‌گیرند و نسخه‌های علاج بیماری‌های نفسانی و معنوی را دریافت می‌نمایند.

غیر از حسین و استقامت در آن ایستگاه پر از محنت و بلیات چه کسی می‌توانست چنین حماسه‌ای را به وجود آورد و این مکتب عظیم را تأسیس نماید؟ حسینیه‌ها، مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، بازارها و حتی خانه‌ها و خیابان‌ها به صورت اجتماعات بزرگ و به صورت فردی تشکیل می‌شوند.

شیعیان این دوره را می‌گذرانند، کتاب‌ها و مقالاتی را که در شرح «واقعه عاشورا» منتشر شده می‌خوانند و در کلاس‌های روضه و وعظ این دانشگاه حاضر می‌شوند.

جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم السلام

یکی از قشرهای عزیزی که در این دانشگاه عظیم حسینی فعالانه و مخلصانه انجام وظیفه می‌نمایند، قشر عزیز و مقدس مداح است؛ قشری که در مواقع بزرگ، مداحی آنها و اشعارشان در تاریخ، اثرگذار بوده و هست و در دفاع از حق، نقش آنها ماندگار بوده و بسا یک شعرشان جامعه‌ای را عوض کرده و انقلابی را به وجود آورده و دیکتاتورها را محکوم نموده است. اشعار و قصیده معروف فرزددق، سید حمیری، دعبل و دیگران از شعرای عرب و عجم در مداحی یا رثای اهل بیت علیهم السلام و نصرت حق، فوق العاده بوده است.

انشا و انشاد این اشعار، جامعه را به هیجان و حرکت در می‌آورد و ارواح مرده را زنده می‌سازد؛ اشعاری مانند اشعار محتشمکه همیشه عظمت حادثه بزرگ عاشورا را برای جهانیان بازگو می‌نماید.

این همایش مداحی که از سوی مداحان عزیز و نخبه استان قم، مرکز حوزه علمی جهانی و عش آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و روضه منوره مضجع کریمه اهل البیت علیهم السلام منعقد می‌شود، نوید بخش آن است که به خواست خداوند متعال با همت بزرگان و پیشکسوتان این قشر، مداحان گرامی در ارائه خدمات مهم به اسلام و مذهب و امر به معروف و نهی از منکر، احیای اخلاق حسنه و روح اخوت ایمانی، تعاون اجتماعی و سایر

فضایل به توفیقات بیشتر نایل شوند و نقش آنها کامل تر و در حد ممکن بی عیب و نقص انجام گردد؛ تا هم در موضع مدیحه خوانی و هم در مرثیه گویی، مرثیه خوانی و ذکر فضایل و مصائب اهل بیت علیهم السلام به کسب بیشترین فیض از آنها نائل شوند.

برای تأمین این جهات باید مداحان عزیز، خود بسیج شوند و با علما، نخبگان حوزه و محققان در فنون مربوط به عزاداری اهل بیت علیهم السلام مشورت نمایند و نقاط ضعفی را که ممکن است وجود داشته باشد شناسایی کنند.

وظایف مداحان اهل بیت علیهم السلام

حقیر، با کسب اجازه از عزیزان خودم، مداحان اهل بیت علیهم السلام، در این مجال اندک به مواردی که باید بدان توجه شود اشاره می نمایم:

۱. هدف مداحان باید ترویج دین، نشر معارف، ذکر مصایب اهل بیت علیهم السلام و کسب درجات معنوی و اجر و ثواب الهی باشد و در مقام معامله این کار عظیم و ثواب های بزرگ آن با امور مادی نباشند و بدانند که خدمات مخلصانه ای را که انجام می دهند اگر با تمام دنیا هم معامله نمایند، مغبون می شوند.

۲. مطالبی را که می گوئید و هر سخنی را که در هر رابطه، حتی تعریف از اشخاص بر زبان می آورید حق باشد و سعی کنید زبانتان به باطل نرود و آیه کریمه

ما یلفظ من قولٍ الا لدیه رقیب عتید(۱)

ص: ۸۶

۱- (۱). سوره ق، آیه ۱۸؛ سخنی (از خیر و شر) به زبان نیاورده جز آنکه همان دم رقیب و عتید نزد آن آماده اند.

را مدّ نظر قرار دهید.

۳. سعی شود اشعار مدایح و مرثی که خوانده می شود از جهت مضمون، معنویت و پیام، بلند و عالی و برگرفته از هدایت های قرآنی و روایی باشد و اشعار، ضعیف و متضمن مضامین سست، خرافی و بی مصدر نباشد.

۴. از اشعار اغراق آمیز و غلو گونه و شعارهای غالیانه و اشعار به اصطلاح عرفانی و صوفیانه که برخی عقاید باطله را القا می نمایند باید جداً پرهیز نمود.

۵. باید مداحی شعبه ای از تبلیغات دینی و مداحان محترم واسطه رساندن معارف دین و پیام های ائمه معصومین علیهم السلام باشند. از این رو چاکران با اخلاص آستان مقدس حسینی اولاً در تصحیح عقاید و ثانیاً تهذیب اخلاق خود کوشش فراوان نمایند که با سیما، سیره و عمل نیز بر تأثیر مضامینی که به شعر یا به نثر القا می کنند بیفزایند و مصداق «الموعظه إذا خرجت من قلب وقعت فی قلب» (۱) گردد.

۶. بدیهی است آنچه بیشتر، نهاد مداحی را مطرح کرده و سبب ظهور آن بوده و هست، مدح اهل بیت علیهم السلام و به خصوص ذکر مصیبات آن بزرگواران و به ویژه مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام است که حتی در مختصرترین صورت آن، موجب بهشت می شود اما مداحان گرامی باید

برای بیدار کردن مردم و رشد عقلانی و فکری آنها از اشعار با معنا و معرفت بخش و پند آموز در ستایش، حمد و تذکر نعمت های الهی استفاده نمایند.

ص: ۸۷

۱- (۱). چون اندرز از قلب بیرون آید در دل می نشیند.

در پایان، این نکته را باید متذکر شوم که مجالس عزاداری حضرت خامس آل عبا، سید الشهداء علیه السلام، از برترین و با فضیلت ترین مجالسی است که فرشتگان الهی در آن افتخار حضور دارند و برای کسب تقرب مقام، در آن شرکت می نمایند. مجلس عزاداری و مداحی، دارالشفاء، دارالرحمه و دارالبرکه می باشد.

حضور در این مجالس و عرض ادب به ساحت مقدس سالار شهیدان را غنیمت شمرده و بر آن شاکر و سپاسگزار باشید.

ای کاش این حقیر برای جفت کردن کفش عزاداران در آن مجلس توفیق پیدا می کردم و با مداحان و عزاداران در سوگواری و عرض ادب به محضر مقدس ثار الله شریک می شدم.

یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً(۱)

ص: ۸۸

۱- (۱). پیام به همایش سراسری مداحان استان قم، ۲۵ ذی الحجه الحرام ۱۴۲۷ هـ - ق.

فصل چهارم: عاشورا در عاشورا

اشاره

ص: ۸۹

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

زمانی که در اثر انقلاب عظیم اسلامی ایران و تلاش ها و مجاهدات مصلحین بزرگ در سراسر عالم اسلام همه مسلمانان، به خصوص نسل جوان و تحصیل کرده در زیر لوای وحدت، امت اسلامی واحده را پی ریزی کرده و دل های همگان سرشار از عشق و محبت به توحید کلمه شده است؛ تفاهیم و تجاوب و هم زبانی و هم دردی همه را به هم نزدیک و الفت داده و وحدتی بی سابقه در جهان اسلام حاکم شده و معنای «اذله علی المؤمنین» و «اعزه علی الکافرین» و «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» مستکبرین را سخت به وحشت انداخته است؛ در چنین موقعیتی عوامل وابسته به اعدای اسلام و استکبار جهانی از اینکه با منطق و استدلال، اهداف تخریبی خود را به کسی بقبولانند عاجزند و جز ویرانگری و اعمال وحشیانه و ضدّ اصول انسانی راهی برای نیل به اهداف شوم تفرقه انگیز و ایجاد کینه و دشمنی بین مسلمین پیدا نکرده اند.

امسال این عوامل جنایتکار در روز عاشورا، عاشورای دیگری به وجود آورده و یکی از وحشیانه ترین جنایت ها را - که جهان اسلام را در سوگ

و مصیبت فرو برد - مرتکب شدند و در بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء حرم مطهر آن سلاله پاک پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را مورد جسارت و اهانت قرار داده، و با تعیبه بمب در جوار آن مرقد شریف جمعی از مسلمانان را که در حال عبادت و توجه به خداوند متعال بودند شهید و مجروح کرده و بخشی از آن آستان فرشته دربان را منهدم و تعدادی از مجلّلات قرآن مجید را به آتش کشیده و سوزانده اند.

عمق عظمت این فاجعه دلخراش که لکه ننگ تاریخی بزرگ بر دامن این از خدا بی خبران است با هیچ بیان و قلمی قابل توصیف نیست؛ کسانی که مرتکب مثل این جنایت می شوند بویی از انسانیت نبرده، و آنان سپاه یزید و سپاه شمر و ابن زیاد و سپاه حجاج هستند.

این جانب به همه مسلمانان جهان و علمای تشیع و تسنن هشدار می دهم که این ایادی مزدور با تمام قوا عزّت و کیان امت اسلام را هدف قرار داده اند، و اگر همه زعمای اسلام فکری برای جلوگیری از فساد این مفسدین ننمایند باید گفت: «و علی الإسلام السلام».

باید همه دولت های اسلامی و همه علما و اقطاب فکری این اعمال را شدیداً استنکار نمایند و برائت خود را از عمال این جنایت بزرگ ابراز دارند.

این جانب این مصیبت عظمی و فاجعه کبری را به پیشگاه حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء و خانواده های محترم عزیزانی که در این حادثه جانکاه به فوز عظیم شهادت نائل شده اند تسلیت عرض نموده، شفای مجروحین این

جنایت را از خدای بزرگ خواهانم و اعلام می دارم که چه این عوامل بخواهند و چه نخواهند عظمت اسلام و قدرت مسلمین تجدید خواهد شد و حریم حرمت آستان ملائک پاسبان حضرت رضا علیه السلام و سایر اعیان مقدسه با این اهانت ها شکسته نخواهد شد و یقین است که آثار سوء این جنایت بزرگ به زودی دستگیر عوامل آن شده و خداوند متعال آنها را رسوا نموده و به کیفر کردارشان در دنیا و آخرت خواهد رساند.

وما ذلک علی الله بعزیز(۱)

فلا تحسبنّ الله مخلف وعده رسله ان الله

عزیز ذو انتقام(۲) و(۳)

ص: ۹۳

۱- (۱). سوره ابراهیم، آیه ۲۰؛ و این نزد خداوند، دشوار نیست.

۲- (۲). سوره ابراهیم، آیه ۴۷؛ پس هرگز مپندار که خداوند، وعده رسولانش را خلاف کند که البته خداوند بر هر کاری مقتدر است و از ستمگران انتقام خواهد کشید.

۳- (۳). پیام به مناسبت فاجعه خونین بمب گذاری در جوار حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام، مشهد، عاشورای ۱۴۱۵.

ثلمه فی الاسلام عظیمه

یزیدیان زمان

حوادث فجیعۀ بسیار دلخراش و تکان دهنده کشتار و ترور عام زائران و عزاداران پاک نیت حضرت سیدالشهداء علیه السلام در شهرهای مقدس کربلا و کاظمین در روز عاشورا، عمق دد منشی و درنده خویی عاملان آن و کسانی را که در پشت این ترورها قرار دارند آشکار نمود و به دنیا اعلام خطر کرد که اگر بنی امیه، یزید، ابن زیاد و شمر با ظلم هایشان عالم وجود را تکان داده و مصیبت زده کردند، یزیدیان، بنی امیه، بنی مروان و بنی زیاد زمان در روز عاشورا با ترور مسلمانان بی گناه در کربلا در جوار روضه مقدسه حضرت سیدالشهداء علیه السلام و در کاظمیه، در جوار حرم مطهر دو امام معصوم، دوباره عاشورا آفرینند و جنایات عاشورا را تجدید کردند. این ترورها و عاملان آن، بشریت را در برابر سب و درندگان شرمسار نمودند؛ نمی توان رذالت، شرارت و قساوت این اعمال ددمنشانه را با زبان و قلم

توصیف و محکوم نمود؛ هر جمله و کلمه ای که برای محکوم کردن آن به

کار برده شود عمق این جنایت و اوج بی رحمی و بی شرمی عاملانش را بازگو نمی کند.

بدیهی است مسئولیت سنگین امنیت عراق و این وقایع تلخ و ناگوار بر عهده اشغالگران است، آنها باید پاسخ بدهند و از طرف جوامع بین المللی مورد بازخواست و مؤاخذه، قرار بگیرند.

اینجانب، این مصیبت عظیم را به پیشگاه اقدس حضرت ولی عصر مولانا المهدی ارواح العالمین له الفداء و به عموم شیعیان مظلوم جهان و محبان اهل بیت علیهم السلام و به وجدان های بیدار بشری و اهالی محترم کربلا، کاظمین، حوزه های علمیه به مخصوص حوزه های علمیه اعتبار مقدسه و به خانواده هایی که کسان، فرزندان و بستگانشان به شرف شهادت نایل شده اند تسلیت عرض می نمایم و از خداوند قهار منتقم، قلع و قمع ریشه های فساد و مجازات دشمنان اهل بیت علیهم السلام را مسئلت می نمایم. (۱)

ص: ۹۵

۱- (۱). پیام به مناسبت عاشورای خونین ۱۴۲۵ ه - ق که در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۲ صادر شده است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

